

آثار دنیوی و اخروی کارهای خیر و نیکوکاری



محدثی صرفی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقئمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حكيم و صلوات و سلام بر حضرت مجد مصطفى و اهل بيت نورانی او

در قران كريم خداوند كريم اعلام فرموده كه نيكوكاران را دوست دارد لذايكي از ويژگيهاي پيامبران و امامان عليهم السلام ، نيكوكاري بوده است. كمك كردن به مردم چه بصورت كمك به فقرا و نیازمندان يا بصورت داشتن مهمان خانه براي پذيرايي از مسافرين و افراد غريب يا بصورت انجام كارهايي كه نفعش به همه مردم مي رسد مانند ساختن سد و يا پل و يا وقف باغ و چاه آب و زمين كشاورزي و امثال اين كارها علمای ربانی هم اين چنين بوده اند و در عمر خود برکات فراوانی در خدمت به مردم و رفع مشكلات مردم داشته اند.

در اين كتاب به بيان اهميت نيكوكاري و داستانهائي كه در اين زمينه است مي پردازيم

بخش اول: جایگاه نیکوکاری در آیات و روایات

بخش دوم: نمونه هایی از نیکوکاری

بخش اول: جایگاه نیکوکاری در آیات و روایات

از مهمترین خصوصیات که پایه اجتماع را قوی و دلها را به هم نزدیک می کند نیکوکاری و نوع دوستی و مواسات است.

قرآن می فرماید:

((انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم))

بدرستیکه مؤمنین برادر هستند پس بین برادرانتان اصلاح نمائید.

لذا سعدی از حدیث امام ششم که می فرماید: مؤمن برادر مؤمن است مثل روحهایی در یک جسم اگر چیزی از این جسم ناراحت باشد این درد به همه اعضاء می رسد و ارواح مؤمنین از یک روح است و بدرستیکه ارواح مؤمنین از نظر اتصال به هم سخت تر است از اتصال شعاع خورشید به خورشید استفاده کرده و شعر بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند را سروده است.

از امام پنجم است که فرمود: گروهی از مسلمین مسافرت رفتند پسرا را گم کرده و دچار تشنگی شدید شده پس کفن پوشیدند و خود را به ریشه های درختان چسبانیدند پیرمردی سفید پوش نزد

آنها آمده و گفت برخیزید باکی بر شما نیست این آبست آنها بر خاستند و آب آشامیدند و سیر آب شدند سپس گفتند کیستی تو خدایت رحمت کند گفت من از طایفه جن هستم که با پیامبر (ص) بیعت کردند من از رسول خدا شنیدم که فرمود: مؤمن برادر مؤمن است چشم او و راهنمای اوست پس شما نباید در حضور من تباه گردید. ابو اسماعیل گوید به امام پنجم عرض کرد: قربانت گردم نزد ما شیعه بسیار است پس حضرت فرمود آیا ثروتمندان شما به فقر توجه دارند و آیا نیکو کاران از بدکاران می گذرند و آیا مواساء می نمایند؟ گفتم نه حضرت فرمود اینها شیعه نیستند بلکه شیعه کسی است که این صفات را عمل نماید.

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه یک خاشاکی را از صورت برادرش بزداید خداوند ده حسنه برای او می نویسد و کسیکه بر روی برادرش تبسم کند برای او یک حسنه است.

طبق قوانین شرعی مسلمان آنقدر ارزش دارد که باید برای حفظ جان او در صورت لزوم قسم دروغ خورد و یا به مقدسات در ظاهر توهین کرد و حتی گوشت سگ و خوک برای زنده ماندن مسلمان حلال می شود لذا پیامبر (ص) فرمود: هر کس که حاجتی برای برادر

مؤمنش برآورده باشد مثل اینست که روزگاری (یک عمر) عبادت خداوند نموده است.

واقدی یکی از دانشمندان زمان مأمون می گوید دو رفیق داشتم که سه نفری مانند یک روح بودیم در سخ جسم: یکی از سالها ایام عید گرفتار فقر شدم همسرم گفت من و تو می توانیم با سختیها بسازیم ولی این بچه ها دل مرا آتش زده اند زیرا می بینند بچه های دیگر لباس نو پوشیده ولی آنها ندارند.

لذا من در فکر فرو رفتن و آخر الامر نامه ای به رفیق هاشمی ام نوشتم و او یک کیسه ای با هزار درهم بایم فرستاد. هنوز کیسه را باز نکرده بودم که فرستاده رفیق دیگرم آمده و از قول رفیقم اظهار کمک کرد و من کیسه را به او دادم و خود به مسجد رفتم و تا صبح در مسجد بودم صبح به خانه رفتم در آن حال رفیق هاشمی ام به خانه ما وارد شده گفت بمن راست بگو کیسه پولی را که دیروز فرستادم چه کردی گفتم برای رفیق دیگرمان فرستادم گفت دیروز که تو پیغام دادی من پول ندارم همان کیسه هزار درهمی را داشتم که برای تو فرستادم و نامه ای برای رفیق دیگرمان نوشتم که

مقداری قرض می خواهم که رفیقمان هم کیسه خودم را فرستاد
و این مایه تعجب بود و الان روشن شدم.

واقعی می گوید که آن کیسه را بین سخ نفر تقسیم کردیم و این
ماجرای عجیب به گوش مأمون رسیده دستور داد به هر کدام
دوهزار درهم دینار بدهند.

حقوق برادران از دیدگاه امام سجاده(ع):

امام سجاده(ع) می فرماید: اما حقوق برادران دینی آنست که
همواره از صمیم قلب سلامتی آنها را خواسته و نهایت مهربانی داشته
و مدارا کنی با بدان آنها و دلجوئی کرده در اصلاحشان بکوشی و از
خوبانشان تشکر کنی و همه را دعا کنی و یاری نمایی و هر یک را
فراخور حالش مراعات کنی بزگشان را بمنزله پدرت و کوچکشان
را بمنزله فرزندت و میانسالشان را بمنزله رادر قرار داده و هر که
نزدت آمد با مهر و محبت پذیرا باشی و به برادرت آنچنان خدمتی
کنی مثل آنچه واجب است برادر به برادر خدمت کند.

محمد بن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از
کارمندانش به امام ششم (ع)

عرضکرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و
مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید : امام
ششم (ع) نوشت:

((بسم الله الرحمن الرحيم ير اخاك يسرک الله))

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.

پس نامه را ببندد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند
و چون مجلس خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام
صادق (ع) است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده
گذاشت و گفت حاجت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر
کردن من است نجاشی گفت چه مقدار ؟ گفت: ده هزار درهم .
نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او
پپردازد و سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده بنویسد.

پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس است و
کنیز و نوکری به او داد و همچنین یکدست لباس پس گفت فرش

این اطاق که روی آن نشیبه تودند را نیز به او دادند . مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را گفت حضرت از دفتار نجاشی مسرور شد آن مر گفت مثل اینکه برخورد نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا خدا و پیامبرش را هم شاد کرد.

امام ششم (ع) فرمود: کسیکه سروری را بر دل مؤمنی وارد نماید پس مثل اینست که بر دل پیامبر (ص) وارد نموده و کسیکه بر دل پیامبر سروری را وارد نماید پس به خدا می رسد و همچنین کسیکه غمی را بر شخصی وارد کند این غم را بر پیامبر و کسیکه پیامبر را غمگین کند مثل اینکه خدا را ناراضی نموده است.

حضرت موسی (ع) فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در صدد آزار وی بر آمد پس او گریخت و بشهر

کفار وارد شده و پناه بکافری برد. آن کافر او را جا داد و مهربانی کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی فرمود:

به عزت و جلال خود سوگند می خورم که اگر بهشت بر کافر حرام نبود تو را به بهشت می بردم پس خطاب نمود که ای آتش جهنم او را بترسان ولی نسوزان.

پیامبر (ص) فرمود:

((خير الناس من ينفع الناس و شر الناس من يضر الناس))

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند.

صفوان جمال می گوید: در مجلس امام صادق (ع) نشسته بودم پس مردی از اهل مکه وارد شد و به عرض رساند که پولش تمام شده و کرایه بازگشتن به وطن را ندارد. امام (ع) بمن دستور داد که برخیز و در اصلاح کار برادر دینی خود اقدام کن پس فوراً برخاستم و پول کرایه آنمرد را تهیه و به او تسلیم کردم و به مجلس حضرت

برگشتم حضرت پرسید در کار برادرت چه اقدامی کردی؟ به عرض رساندم که خداوند اصلاح کرد و کارش روبراه شد. امام فرمود: آگاه باش که اگر برادر مسلمان را یاری نمائی در نزد من محبوبتر از آنست که یک هفته بیت الله الحرام را طواف کنی.

پیامبر(ص) فرمود:

((لا یرحم الله من لا یرحم الناس))

خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نمی کند.

امام ششم(ع) فرمود: روا کردن حاجت مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر از فرستادن هزار اسب در راه خدا.

در روایت است که دری در بهشت است بنام معروف که فقط افراد نیکوکار از آن وارد می شوند و پیامبر(ص) از مؤمنیکه بحاجتش رسیده خوشحال تر است.

همچنین پیامبر(ص) فرمود: مردم روزی خوار خدا هستند پس محبوبترین خلق به خدا کسی است که به عیال الله نفع برساند و بر آنها سروری وارد کند.

موانع برادری و مواساة چند چیز است:

از جمله آنها وابستگی های مادی است که بخاطر مال دنیا باعث می شود کمک و محبت به دیگران و دستگیری از دیگران فراموش شود . آورده اند که علامه سید محمد باقر شفتی بنیان گذار مسجد سید اصفهان در زمان تحصیل در نجف بسیار فقیر بود. روزی مقداری پول بدستش آمده پس داخل بازار شد و با خود خیال کرد چیز یکه ارزانتر باشد گرفته تا خود و عیال سد جوع بنمایند لذا از قصاب جگر بند گوسفندی گرفت و روانه خانه شد در راه به خرابه ای رسید و نگاه کرد دید که سگی گرگین ضعیف و نحیف و لاغر خوابیده و بچه های او در دور او جمع و در نهایت ضعف و در پستان مادر شیر نمانده پس حجه الاسلام را بر آن حالت رحم آمد و گرسنگی آنها را بر گرسنگی خود و عیال مقدم داشته و آن جگر بند را در نزد آنها انداخته به یک باره آن حیوانات هجوم آوردند و آن جگر را خوردند پس از خوردن آن سگ گرگین روی به آسمان

کرده گویا دعا می کرد پس بی فاصله دولت و دنیا به او اقبال نمود و بطوری شد که هفت پسر داشت پس هر کدام اندرونی و بیرونی مستقل داشته و مخارج ایشان جدا بوده و در اصطبل فرزند بزرگش 17 اسب خوب بسته بود و عیالات او به غیر از پسرانش صد نفر در شماره آمده بود از خادمان و کنیزان و زنان و در اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا از مال خود داشته و این شاید نتیجه محبت به حیوانی باشد تا چه رسد به کمک به مؤمنین و مؤمنات. همچنین از موانع مواساه و کمک به ممنوع سوء ظن و بدگمانی به دیگران است که انسان در معاشرت ها به دیگران اطمینان نداشته باشد حاضر نباشد مثلاً قرض بدهد و یا ضامن باشد و یا چیزی را عاریه بدهد لذا علی (ع) فرمود:

کسیکه حسن ظن نداشته باشد از هر فردی وحشت دارد. وعدم توجه به اهمیت برادری و مواساه نیز از موانع خدمت به دیگران است که بامطالعه آیات و احادیث امید است این نقیصه برطرف شود.

خداي سبحان در مورد اجر و پاداش دنوي احسان و نيكوكاري مي فرمايد: «فئاتهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره و الله يحب المحسنين7؛ خداوند پاداش اين جهان، و پاداش نيك آن جهان را به آنها داد و خداوند نيكوکاران را دوست مي دارد».

در آيه ديگري مي فرمايد: «وقيل للذين اتقوا ماذا انزل ربكم قالوا خيرا للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنه و لدار الاخره خير و لنعم دارالمتقين8؛ و هنگامي که به پرهيزگاران گفته مي شد: پروردگار شما چه نازل کرده است؟ مي گفتند: خير [وسعادت] براي کسانی که نيکي کردند در اين دنيا نيکي است و سراي آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سراي پرهيزکاران».

در کلامي که از حضرت موسي بن جعفر(ع) نقل شده است، مي خوانيم: «در بني اسرائيل مرد صالحی بود که زن نيكوكاري داشت. آن مرد شبی خواب دید که شخصي به او مي گوید: خداوند فلان مقدار عمر براي تو مقدر کرده است که نصف آن در رفاه و آسايش هستي و نصف ديگر در مضيغه و تنگدستي، هر کدام از دو نصف را مي خواهی، اول انتخاب کن! مرد جواب داد: من زن خوبي دارم که شريك زندگي ام است، با او مشورت مي کنم. بار ديگر نزد من بيا تا به تو خبر دهم کدام نصف را اول اختيار کرده ام. صبح جريان خوابش را با همسرش در ميان گذاشت و از او مشورت خواست. همسرش در جواب گفت: اول نصف رفاه و آسايش را برگزين، شايد خداوند بر ما رحم کند و در نصف ديگر نيز نعمتش را از ما قطع نکند. شب دوم فرا رسيد بار ديگر آن شخص به خوابش آمد، آن مرد در جواب گفت: من نصف اول عمر در رفاه و آسايش را انتخاب کردم. بعد از آن رواي، دنيا از هر طرف به او رو آورد. چون نعمت هاي الهي، نزد او فراوان و آشکار شد، همسرش به او گفت: خويشان و همسايگان خود را و همچنين افراد محتاج را کمک کن! آن مرد به توصيه همسرش عمل نمود. نصف تعيين شده از عمر او در کمال رفاه و آسايش گذشت سپس از نصف هم گذشت و همچنان وضع مالي او خوب بود. براي سومين بار،

همان شخص در عالم رویا نزد او آمده گفت: نیکي و احسان تو باعث شد خداوند به تو پاداش مرحمت فرماید و تا آخر عمر در نعمت و رفاه به سر خواهی برد.» 9

7-سوره آل عمران، آیه. 148

8-سوره نحل، آیه. 30

9-بحارالانوار، مجلسي، لبنان، مؤسسه الوفا، 1404، ج 93، ص. 162.

10-نهج البلاغه، حکمت. 319

محبوبیت نزد خداوند

احسان و نیکوکاری، باعث محبوبیت انسان نزد خدای سبحان می شود. جدای از تعبیر دیگری که درباره انسان های نیکوکار در قرآن کریم وارد شده، جمله زیبایی «الله یحب المحسنین» پنج بار در آیات قرآن کریم، تکرار شده است 20 که بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در پیشگاه خداوند می باشد

و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَي حَبِيٍّ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ، إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا

و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دهند.
"ما برای خشنودی خدا است که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم
انسان ، آیه ۹ - ۸.

در آیه ۱۴۸ سوره آل عمران، خداوند سعادت دنیا و زندگی نیک و آسایش و آرامش را از آثار احسان و نیکوکاری اشخاص و یا جوامع بر شمرده و می فرماید: فاتهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره و الله یحب المحسنین؛ خداوند ثواب و پاداش دنیا و پاداش بهتر اخروی را به ایشان بخشید؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقرة: ۲۷۴)

در سوره آل عمران آیات ۱۴۷ و ۱۴۸ اشاره به همین مطلب دارد. که خداوند درخواست های نیکوکاران را اجابت می کند. فاتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الآخرة والله يحب المحسنين خدا به انسانهای نیکوکار ثواب دنیا می دهد و بهتر از آن در آخرت. درخواست آنها را اجابت خواهد کرد.

در سوره نحل آیه ۱۲۸ خداوند می فرماید ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون خداوند با کسانی که تقوا دارند و نیکوکار هستند است هم متقین از امداد الهی برخوردار می شوند در کنار آنها نیکوکاران نیز از امداد الهی برخوردار می شوند.

آیات قرآن در مود نیکی کردن

در قرآن مجید نیز سفارش به نیکی بسیار است و برای انجام دهندگان و ترویج کنندگان آن نیز پاداش های فراوانی در نظر گرفته شده است. برخی از آن آیات در زیر آورده شده است

﴿أَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۹۳﴾
[سورة المائدة، ۹۳]

نیکی نمایید و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.

﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۵۶﴾
[سورة الأعراف، ۵۶]
!رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است

﴿وَإِحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُفْسِدِينَ ۷۷﴾

[سورة القصص، ۷۷]

و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در
جستجوی فساد مباحث، که خدا مفسدان را دوست ندارد

﴿إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۶۹﴾

[سورة العنكبوت، ۶۹]

خداوند با نیکوکاران است.

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ۶۰﴾

[سورة الرحمن، ۶۰]

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۷﴾

[سورة الإسراء، ۷]

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود
می کنید.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾

[سورة النحل، ۹۰]

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد.

﴿وَيَذَرُونِ بِالْحَسَنَةِ أَلَسَيِّئَةً أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقُوبَى الدَّارِ ۲۲﴾

[سورة الرعد، ۲۲]

و با حسنات، سیئات را از میان می برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن
... آنهاست

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۲﴾

[سورة المائدة، ۲]

و! (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید

﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَ نَفْسِهِ فَاُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۹﴾

[سورة الحشر، ۹]

و آن‌ها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛
کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾
۹۲

[سورة آل عمران، ۹۲]

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید،
(در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است

﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۚ﴾

[سورة الکهف، ۳۰]

اما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۚ﴾

[سورة التوبة، ۱۲۰]

خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند

﴿فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۚ﴾

[سورة الأحزاب، ۲۹]

خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي
الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ ۙ﴾
۹۰

[سورة الانبياء، ۹۰]

ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که)
نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که)
همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می‌کردند؛ و در حال بیم و امید ما را
می‌خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ﴾

[سورة الأنعام، ۱۶۰]

هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد

﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ۚ﴾
۳۰

[سورة النحل، ۳۰]

برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن
اهم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذَكَرَ لِلَّذِينَ ۙ﴾

[سورة هود، ۱۱۴]

حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین می‌برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۲۲﴾
[سورة المطففين، ۲۲]
مسلماً نیکان در انواع نعمت‌اند

﴿إِنَّ كُتُبَ الْأَبْرَارَ لَفِي عِلِّيِّينَ ۱۸﴾
[سورة المطففين، ۱۸]
!نامه اعمال نیکان در «علیین» است

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۵﴾
[سورة الإنسان، ۵]
به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَكْتُبُونَ ۴۴﴾
[سورة البقرة، ۴۴]
آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟

امام صادق علیه السلام:
أَيُّهَا مُؤْمِنِي نَفْسٌ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةٌ ، نَفْسَ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً
مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا وَ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
هر مؤمنی که گرفتاری مؤمنی را بر طرف کند ، خداوند هفتاد
گرفتاری دنیا و آخرت را از وی دور می‌سازد
مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۴۱۳.

امام کاظم علیه السلام:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمِينُونَ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ

خداوند در زمین بندگان دارد که برای برآوردن نیازهای مردم
می‌کوشند ؛ اینان ایمنی یافتگان روز قیامت‌اند
الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۹۷.

خیر کیست و کار خیر چیست ؟

معتبرترین کتاب نزد ما مسلمان ها قرآن است و بعد از آن
احادیث و روایاتی است که از طرف پیامبر مکرم اسلام
حضرت محمد (ص) و ائمه معصومین علیهم صلوات اله به ما
رسیده و پس از اینها سخنان بزرگان و دانشمندان که عمر
خود را صرف کسب علم و دانش کرده اند و به قول معروف
دود چراغی خورده اند و شب بیداری کشیده اند تا از درون
کتابها مدارج علمی خود را ارتقاء دهند و طبیعی است بقیه
مردم باید به اندوخته های آنها احترام بگذارند و آنچه آنها از
روی علم و تجربه بیان می کنند و یا مکتوب می نمایند به
دیده احترام نگاه کنند و عمل نمایند.

از بین آیات قرآن که بیش از شش هزار و ششصد آیه است
189 آیه بصورت مستقیم کلمه خیر را به کار برده . در کتب
لغت " خیر " به معنای نیکی ، خوب ، کار خوب معنی شده .
در قرآن کریم همچنین به غیر از کلمه " خیر " از کلمات

دیگری مثل باقیات الصالحات ، ثواب و ... استفاده شده است ؛ حال از بین همه این آیات صرفاً دو نمونه را برای تبرک و تیمم می آوریم و در مقاله های بعدی انشاءالله در فرازهایی مختصر از آیات و کلمات قصار پیامبر و ائمه و بزرگان در

مقوله کار خیر بصورت اعم و کار خیر مدرسه سازی بصورت اخص استفاده خواهیم کرد.

در سوره مبارکه کهف آیه 46 می خوانیم :

المال و البنون زينه الحيواه الدنيا و الباقيات الصالحات خیر عند ربك ثوابا و خیر املا

یعنی : ثروت و فرزندان (که دو رکن اساسی در این دنیا هستند) فقط زینت زندگی انسان ها هستند و اعمال شایسته برای او ماندگار است و در نزد پروردگارت دارای پاداشی خوب و آرزو و افتخار نیکوتری می باشد.

همانطور که ملاحظه می کنید در این آیه کریمه هم از کلمه خیر استفاده شده و هم از باقیات الصالحات .

در سوره مبارکه نمل آیه 89 می فرماید :

من جاء بالحسنه فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون.

یعنی : کسی که کار نیکی را (به صحنه قیامت بیاورد) پاداشی به مراتب بهتر از آن خواهد داشت و از وحشت روز قیامت در امان خواهد بود.

سود و ضرر رساندن به مردم

:پیامبر_اکرم (ص) در روایتی می فرماید#

خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرُّكَ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ

دو خصلت است که بالاتر از آنها چیزی در نیکی پیدا نمی شود و این دو عبارتند از:

ایمان به خداوند و سود رساندن به بندگان خدا

از آن طرف، دو خصلت دیگر است که هیچ شری از آن بدتر نیست که عبارتند از:

شرک به خداوند و ضرر رساندن به بندگان خدا

بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۳۷، ط بیروت

امام باقر(ع) می فرماید: البر و الصدقه ینغیان الفقر و یزیدان فی العمر و یدفعان عن صاحبهما سبعین میته ً سوء؛ کار خیر و صدقه، فقر را می برند، بر عمر می افزایند و هفتاد مرگ بد را از صاحب خود دور می کند.
(ثواب الاعمال، ص 141)

امام باقر(ع) می‌فرماید: هر کس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشک‌کش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند: ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت به چیز دیگری راضی نمی‌شوم.
(مستدرک الوسائل، ج 12، ص 402؛ حدیث 6)

امام باقر(ع) می‌فرماید: خود را به کار نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید تا به همین نشانه و علامت شناخته شوید. من فرزندان و شیعیانم را به این برنامه فرمان می‌دهم. (بحارالانوار ج 46 ص 243 به نقل از خرائج راوندی)

امام مجید باقر(ع) در این باره فرموده است: هر کس کار خیر و خوبی انجام دهد، در حقیقت برای خود کرده است. (تحف العقول، ص 299؛ معانی الاخبار، ص 141، باب معنی المكافاه و الشکر، ح 1. خصال شیخ صدوق، ص 258، ح 132. همین حدیث را امام باقر از امیر مومنان(ع) نقل کرده است)

از امام صادق «سلام الله علیه» شنیدم که فرمودند: هر کس خانه خدا را طواف کند، خداوند عزوجل شش هزار حسنه برای او می‌نویسد و شش هزار گناه از او می‌آمرزد و شش هزار درجه به وی عطا می‌فرماید و شش هزار حاجت از او برآورده می‌سازد. سپس فرمودند: «گره‌گشایی از کار یک مؤمن، ده برابر این طواف فضیلت دارد!»
قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدٍّ
[الکافی، ج 2، ص 194] «عَشْرًا»

«قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَّبَعَةٍ»
؛ [امالی الصدوق، ص 237] بِمَنَاسِكِهَا»

برآوردن حاجت مؤمن برتر است از هزار حج مقبول با همه آدابش.

كَثْرَةُ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ تَنْشُرُ الذِّكْرَ ؛

زیاد کار نیک انجام دادن، عمر را می افزاید و نام را برآوازه می سازد.

تصنيف غررالحكم و دررالکلم ص 386 ، ح 8830

ورود به بهشت

:رسول گرامی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - فرمود

« مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَ نَفَقَتْهُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ وَ قَرْنٍ بَيْنَ اصْبِعَيْهِ الْمَسْبُوحَةِ وَ الْوَسْطَى. » [۵] کسی که یتیمی را سرپرستی کند و عهده دار نفقه و مخارج او گردد من و او در بهشت پهلوی یکدیگر هستیم. سپس انگشت سَبَّابَه و انگشت وسطی را پهلوی هم گذاشت و فرمود: مانند این دو که پهلوی یکدیگر هستند

:امام صادق - علیه السَّلام - فرمود

« مَنْ ارَادَ أَنْ يَدْخُلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي رَحْمَتِهِ وَ يَسْكُنَهُ جَنَّةً فَلْيُحْسِنْ خَلْقَهُ ... » وَ لِيَرْحَمْ الْيَتِيمَ. » [۶] کسی که بخواهد مشمول رحمت خداوند گردد و وارد بهشت شود... باید نسبت به یتیمان دلسوز و مهربان باشد

:پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - فرمود

« اتَّحِبَّ أَنْ يَلِينَ قَلْبِكَ وَ تَدْرِكَ حَاجَتَكَ؟ اِرْحَمْ الْيَتِيمَ وَ امْسَحْ رَأْسَهُ وَ اطْعَمَهُ » مَنْ طَعَامَكَ يَلِينَ قَلْبِكَ وَ تَدْرِكَ حَاجَتَكَ. » [۷] آیا دوست داری دلت نرم و آرزویت برآورده شود؟ (آنگاه فرمود:) بر یتیم ترخّم کن و دست محبّت بر سر او بکش و از غذای خود به او بخوران تا قلبت نرم و حاجت روا گردد

ترفع درجات و محو سیئات

:در حدیثی از رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - می خوانیم

« وَ الذِّي تَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَلِي مُسْلِمٌ يَتِيمًا فَيُحْسِنَ وَلَا يَتَهُ وَ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ دَرَجَةً وَ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ وَ مَحَى عَنْهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ سَيِّئَةٌ. » [۸] سوگند به کسی که جانم در قبضه قدرت اوست، هر مسلمانی که سرپرستی یتیمی را به عهده بگیرد و بخوبی از عهده ولایت و سرپرستی آن یتیم برآید و دست محبّت بر سر او بکشد به عدد هر مویی که از زیر دستش می گذرد خداوند متعال یک درجه مقام او را بالا می برد و یک ثواب در نامه عمل وی می نویسد و یک گناه از او کم می کند.

:امیرمؤمنان - علیه السَّلام - فرمود

« مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرْحَمًا إِلَّا كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ يَدُهُ عَلَيْهَا حَسَنَةٌ. » [۹] هر مرد و زن باایمانی که از روی مهربانی دست خود را روی سر یتیمی بکشد خدای متعال به عدد هر مویی که دست خود را روی آن می گذارد یک ثواب برای او می نویسد

ثواب ساکت کردن یتیم
 ناراحتی کودکان یتیم چندان مهم است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله
 :و سلم - می فرماید
 «اذا بكى الیتیم و فعت دموعه فی كفِّ الرَّحمن و یقول تعالی: من ابکی ...»
 هذا الیتیم الذی واریت والده فی التراب من اسكنه فله الجنة. [۱۰] ...
 هرگاه کودک یتیمی گریه کند اشکهای او در کف پر مهر و محبت خداوند
 رحمان می ریزد و خدای تعالی می فرماید: چه کسی این یتیمی که پدرش
 را از دست داده (و اکنون زیر خاک آرمیده) به گریه درآورده است؟ هر کس او
 را آرام کند بهشت از آن اوست (:پاداش او بهشت است)

در حدیثی دیگر فرمود
 هنگامی که کودک یتیم گریه می کند عرش خدا به لرزه در می آید. خداوند
 به فرشتگانش می فرماید: ای ملائکه من! چه کسی این یتیم را که پدرش
 در خاک پنهان شده است به گریه درآورد؟ ملائکه می گویند: خدا! تو آگاه
 فرماید: ای ملائکه من! شما را گواه می گیرم که هر کس تری. خداوند می
 گریه او را خاموش و قلبش را خشنود کند من روز قیامت او را خشنود خواهم
 کرد. [۱۱]

وصیت امیرمؤمنان - علیه السلام - نزدیک شهادت
 الله الله فی الایتام فلا تغبوا افواههم و لا یضیعوا بحضرتکم... [۱۲] خدا را
 خدا را در مورد یتیمان، نکند آنها گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند، نکند
 آنها در حضور شما در اثر عدم رسیدگی از بین بروند

پی نوشتها:

- ماعون / ۱ و ۲. [۱]
 فجر / ۱۷ و ۱۸. [۲]
 بقره / ۸۳. [۳]
 بقره / ۱۷۷. [۴]
 قرب الاسناد، صفحه ۴۵. [۵]
 امالی صدوق، صفحه ۳۱۸، مجلس ۶۱، حدیث ۱۵. [۶]
 کنز العمال، ج ۳ / صفحه ۱۶۹، حدیث ۶۰۰۲. [۷]
 همان، صفحه ۱۷۵، حدیث ۶۰۳۰. [۸]
 ثواب الاعمال، صفحه ۲۳۷. [۹]
 تفسیر فخررازی، ج ۳۱ / صفحه ۲۲۰. [۱۰]
 تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰ / صفحه ۶۰۶. [۱۱]
 نهج البلاغه صبحی صالح، صفحه ۴۲۱، وصیت ۴۷. [۱۲]

1- قال الامام الكاظم - عليه السّلام - : إِنَّ خَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ قَضَاءُ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ وَالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ مَا قَدَرْتُمْ وَ الْآ لَمْ يُقْبَلْ مِنْكُمْ عَمَلٌ
«بحار الانوار، ج 75، ص 379»

امام کاظم - عليه السّلام - فرمود: همانا مُهر قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی شود.
2- قال الامام الصادق - عليه السّلام - : قال الله عزّوجلّ: أَلْخَلَقُ عِیَالِی فَأَحْبَبُهُمْ إِلَیَّ أَلَطْفُهُمْ بِهِمْ وَ أَشْعَاهُمْ فِی حَوَائِجِهِمْ
«الكافی، ج 2، ص 199»

امام صادق - عليه السّلام - فرمود: خدای متعال می فرماید: مردم خانواده من هستند، پس محبوبترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشا تر باشند.

3- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً أَذْنَاهُنَّ الْجَنَّةُ
«قرب الاسناد، ص 119»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: هر کس يك نیاز مؤمنی را روا سازد، خداوند حاجت های فراوان او را روا سازد که کمترین آن بهشت باشد.

4- قال الامام الكاظم - عليه السّلام - : إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِی الْأَرْضِ یَسْعَوْنَ فِی حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمِنُونَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ
«بحار الانوار، ج 74، ص 319»

امام کاظم - علیه السّلام - فرمود: همانا خدا را در زمین
بندگان است که برای رفع نیازهای مردم می‌کوشند، اینان در
روز قیامت (از عذاب)، در امان هستند
5- قال الامام الصادق - علیه السّلام - : مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ
أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ
أَخِيهِ.
«امالی شیخ طوسی، ص 97، ح 147»

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: کسی که در فکر برآوردن
نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او
هست، خداوند نیز در (فکر) نیاز وی باشد (نیازش را بر طرف
می‌کند).
6- قال الامام الصادق - علیه السّلام - : أَلَمَاشِي فِي حَاجَةِ
أَخِيهِ كَالسَّاعِي بَيْنَ الصَّغَا وَ الْمَرْوَةِ
«تحف العقول، ص 303»

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: کسی که در راه برطرف
ساختن نیاز برادر خود قدم بردارد، مانند کسی است که
سعی میان صفا و مروه به جای آرد
7- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ مَشَى فِي
عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنَّفَعْتَهُ فَلَهُ ثَوَابُ الْمَجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
«ثواب الاعمال، ص 340»

پیامبر اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: کسی که برای
کمک به برادر خود و سود رساندن به او اقدام کند، پاداش
مجاهدان در راه خدا به او داده خواهد شد
8- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ
الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ ذَهْرَهُ
«امالی شیخ طوسی، ص 481، ح 1051»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: هر کس يك نياز برادر مومن خود را برآورد، مانند کسی است که عمر خویش را به عبادت خدا سپری کرده باشد.

9- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : أَيُّهَا مُسْلِمُ خَدِّمَ قَوْمًا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أُعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَّامًا فِي الْجَنَّةِ.

«الكافي، ج 2، ص 207»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد.

10- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : خِدْمَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَرَجَةٌ لَا يُدْرِكُ فَضْلَهَا إِلَّا بِمِثْلِهَا

«مستدرک الوسائل، ج 12، ص 429»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: خدمت کردن مؤمن به برادر مؤمن خود، مقامی است که فضیلت و ثواب آن جز با آن (خدمت کردن به برادر مؤمن) به دست نیاید.

11- قال الامام الصادق - عليه السلام - : لَقَضَاءُ حَاجَةِ إِمْرِيٍّ مُّؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ حَاجَةٍ وَ حَاجَةٍ وَ حَاجَةٍ، حَتَّى عَدَّ عَشَرَ حِجَجٍ

«امالی شیخ صدوق، ص 197»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: برآوردن نياز مؤمن به یقین برتر از يك حج و يك حج و يك حج است، (امام - عليه السلام - تا ده حج شمردند)

12- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارُهُ قَائِمًا لَّيْلُهُ

«بحار الانوار، ج 74، ص 316»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: کسی که در راه

برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی تَه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد.

13- قال الامام الصادق - عليه السّلام - : إِحْدِم أَخَاكَ فَإِنْ اسْتَحْدَمَكَ فَلَا وَ لَا كَرَامَةً
«الاختصاص، ص 243»

امام صادق - عليه السّلام - فرمود: برادر خود را خدمت کن، اما اگر تو را به خدمت کشید (سوء استفاده کرد)، خدمتش نکن و وقعی بدو مگذار

14- قال الامام الصادق - عليه السّلام - : مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
«بحار الانوار، ج 74، ص 311»

امام صادق - عليه السّلام - فرمود: هرگاه مؤمنی بتواند برادر خود را یاری رساند اما کمکش نکند، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد

15- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ مَنَعَ طَالِبًا حَاجَتَهُ وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى قَضَائِهَا فَعَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيئَةِ عَشَارٍ
«ثواب الاعمال، ص 365»

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: کسی که بتواند حاجت نیازمندی را برآورد ولی دست رد بر سینه او زند، گناهش چون گناه باجگیر است

16- قال الامام الباقر - عليه السّلام - : مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ الْقِيَامِ لَهُ فِي حَاجَتِهِ أَبْثُلِيَ بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتِمُ وَ لَا يُؤْجَرُ
«ثواب الاعمال، ص 291»

امام باقر - عليه السّلام - فرمود: کسی که از کمک به برادر مسلمان خود و برآوردن حاجت او دریغ کند، خداوند او را گرفتار کمک به کسی کند که به سبب آن گناه کند و مزدی هم نبرد

قال الامام الصادق - عليه السلام - : مَنْ صَارَ إِلَى أَخِيهِ 17.
الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَتِهِ أَوْ مُسْلِمًا فَحَجَبَهُ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ إِلَى
أَنْ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ
«الاختصاص، ص 31»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: کسی که برای طلب
حاجت خود یا برای سلام و احوال‌پرسی نزد برادر مؤمن خود
رود و او خود را از وی مخفی کند تا زنده است، پیوسته
مشمول لعنت و نفرین خدا شود
18- قال الإمام الصادق - عليه السلام - : أَنَّ الرَّجُلَ لَيَسْأَلُنِي
الْحَاجَةَ فَأُبَادِرُ بِقَضَائِهَا مَخَافَةَ أَنْ يَسْتَعْنِيَ عَنْهَا فَلَا يَجِدَ لَهَا
مَوْفِعًا إِذَا جَاءَتْهُ
«عيون الاخبار الرضا - عليه السلام -، ج 2، ص 179»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: هرگاه مردی از من
درخواست حاجتی کرد، در رفع حاجت و نیاز او شتاب می‌ورزم؛
زیرا بیم آن می‌رود که کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او
دیگر به کارش نیاید
19- قال الامام الصادق - عليه السلام - : إِنِّي لَأَسَارِعُ إِلَى
حَاجَةِ عَدُوِّي خَوْفًا أَنْ أَرُدَّهُ فَيَسْتَعْنِيَ عَنِّي
«بحار الانوار، ج 78، ص 207»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: من در برآوردن نیاز دشمن
خود (نیز) شتاب می‌کنم؛ زیرا می‌ترسم دست رد به سینه او
زنم و او از من بی‌نیاز شود
20- قال الامام الباقر - عليه السلام - : إِنَّمَا مَثَلُ الْحَاجَةِ إِلَى
مَنْ أَصَابَ مَالَهُ حَدِيثًا كَمَثَلِ الدَّرْهِمِ فِي قِمِّ الْأَفْعَى أَنْتَ إِلَيْهِ
مُعَوَّجٌ وَأَنْتَ مِنْهَا عَلَى خَطَرٍ
«تحف العقول، ص 294»

21- قال الامام الصادق - عليه السلام - : مَا اَمَنَ بِاللّٰهِ وَ لَا بِمُحَمَّدٍ وَ لَا بِعَلِيٍّ مَنْ اِذَا اَتَاهُ اَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضَحْكَ فِي وَجْهِهِ فَاِنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارَعَ اِلَى قَضَائِهَا
«بحار الأنوار، ج 75، ص 176»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: به خدا و مجد و علی ایمان نیاورده است کسی که در هنگام نیاز برادر مؤمنش با خوشرویی با او برخورد نکند؛ پس اگر توان دارد احتیاج او را شخصاً برطرف نماید و اگر قادر نیست با کمک دیگری مشکل او را حل کند؛ اگر نسبت به تقاضای برادر مؤمنی بی تفاوت باشد و به درخواست او عمل نکند پس بین ما و او ولایتی نخواهد بود.

22- قال الامام علی - عليه السلام - : لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ اِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ، وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ، وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنُؤَ.
«نهج البلاغه، حکمت 101»

امام علی - عليه السلام - فرمود: برطرف کردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: 1- کوچک شمردن خدمت تا خدا آن را بزرگ نماید؛ 2- پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشکار کند؛ 3- شتاب در برآوردن نیاز حاجتمند تا مسرت بخش باشد
23- قال الامام الصادق - عليه السلام - : وَ يَحْكُ اَلَمْ تَسْمَعْ قُلَانًا وَ تَحْنُ يَقْرَبِ الْجُحْفَةَ وَ هُوَ يَقُولُ لَكَ: اِحْمِلْنِي عَلٰى قَدْرِ ... مِيلٍ، فَقَدْ وَ اللّٰهُ عَيِّتٌ، وَ اللّٰهُ مَا رَفَعْتَ يَهٗ رَاسًا
«وسائل الشیعه، ج 8، ص 592»

(امام صادق - عليه السلام - به مردی گفت: چرا ما را تحقیر می کنی؟ آن مرد گفت: پناه می برم به خدا از این که شما و یا امری از امور شما را سبک بشمارم)، پس حضرت به او فرمود: وای بر تو، آیا ندای آن شخصی را که نزدیک جحفه از تو کمک خواست که او را به اندازه یک میل (برابر 2 کیلومتر) بر

مرکبت سوار نمایی و او به خدا سوگند یاد کرد که خسته و وامانده شده است؛ نشنیدی؟ به خدا سوگند! تو حتی سرت را بلند نکردی و او را تحقیر کردی، هر کس مؤمنی را خوار کند، ما را تحقیر کرده و حرمت الهی را شکسته است.

24- قال الامام علی - علیه السلام - : یا جابر! مَنْ کَثُرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ کَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَّضَهَا لِلدَّوَامِ وَ الْبَقَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَّضَهَا لِلزَّوَالِ وَ الْفَنَاءِ

«نهج البلاغه، حکمت 373»

امام علی - علیه السلام - (به جابر بن عبد الله انصاری) فرمود: ای جابر! هر که از نعمت های خداوندی بیشتر بهره یابد، مردم نیازمند هم بیشتر به او رجوع می کنند، در پاسخ به نیازهای مردم هر که برای خدا برخیزد و بنابر توانایی هایی که دارد انجام وظیفه کند، تداوم نعمت های خداوندی را فراهم ساخته است و اگر انجام وظیفه نکند، نعمت ها را به زوال و نیستی می سپرد

25- قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للْمُسْلِمِينَ! فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ

«الكافي، ج 2، ص 164»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: کسی که شب را به روز آورد و به امور مسلمانان رسیدگی نکند، پس از مسلمانان نیست و نیز هر که بشنود مردی از مسلمین فریاد رسی می خواهد و به او پاسخ ندهد، از مسلمین نیست

34..

26- قال الامام علی - علیه السلام - : إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرِّهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَّلُوهَا فَإِذَا مَتَّعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ

«نهج البلاغه، حکمت 417»

امام علی - علیه السلام - فرمود: خداوند را بندگانی است که به آنان نعمت های ویژه داده است برای نفع رساندن به دیگر بندگانش؛ پس امکاناتی در دسترس آنها قرار داده است که بذل و بخشش کنند. هرگاه از بذل آن نعمت ها دریغ ورزند و چیزی به کسی ندهند، آن نعمت ها را از آنان باز می ستاند و به دیگران می دهد

آثار احسان

الف - آثار دنیوی

1- دوستی و محبت دیگران

پیامبر (ص) در این مورد می فرماید : « دلها بر پایه دوستی نیکوکاران و دشمنی بدکاران سرشته شده است . » (8)

2- پوشاندن بدی ها

هیچ انسانی جز معصومین از لغزش و اشتباه مصون نیست ، نیکی به دیگران لغزشها را پوشانده و مورد طعن واقع نمی شود .

حضرت علی می فرماید :

« نیکی بدی را می پوشاند » (9)

3- برخورداری از کمک دیگران

کسی که به دیگران نیکی می کند ، آنان را مدیون خود کرده و در نتیجه هر گاه به کمک آنان احتیاج داشته باشد ، به کمک او می شنایند . اما کسیکه به دیگران بدی کرده ، همیشه در معرض انتقام است و هر گاه فرصتی بدست آید ، مورد آزار دیگران واقع می شود .

لذا امام علی (ع) می فرماید : « نیکوکار مورد حمایت و بدکار مورد اهانت قرار می گیرد » (10)

4- زنده بودن در خاطره ها

کار نیک بویژه اگر اثرش طولانی باشد و دیگران نیز بهره مند شوند ، علاوه بر پاداش اخروی موجب زنده ماندن نام و یاد صاحب آن در خاطره ها می شود . امام علی (ع) می فرماید : « شخص نیکوکار زنده است ، اگر چه به جایگاه مردگان برده شود » (11)

آثار اخروی احسان

1- پاداش فراوان

از دیدگاه اسلام هیچ عملی بدون پاداش با کیفر نمی ماند و علاوه بر اینکه در سوره زلزال می فرماید : « هر کس به اندازه ی ذره ای نیکی کرده باشد ، آن را می بیند و هر که به اندازه ی ذره ای بدی کرده باشد ، آن را می بیند . »

در سوره شریفه انعام آیه 160 نیز می فرماید :

« من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسئنة فلا يجزي الا مثله ، هر کس کار نیک انجام دهد ، ده برابر پاداش دارد و هر که کار بد انجام دهد تنها همانند آن کیفر بیند »

2- ورود به بهشت

رسول خدا احسان و خدمت به مردم را یکی از راههای رسیدن به بهشت دانسته و می فرماید : « روز قیامت بنده ای به واسطه برداشتن شاخه خاری از سر راه مسلمانان وارد بهشت می شود » (12)

3- مقابله با شیطان

شیطان ، دشمن قسم خورده انسان است و از هیچ تلاشی برای انحراف انسان از کمال و سعادت فروگذار نمی نماید . لذا انسان هم باید با پرهیز از کارهای نادرست و انجام اعمال نیکو بر دشمن غلبه کند .

اسحاق بن عمار می گوید : امام صادق (ع) به من فرمود : « ای اسحاق تا می توانی به دوستان من احسان کن ، زیرا هیچ مؤمنی به مؤمن دیگر احسان نمی کند ، جز آنکه چهره ابلیس را خدشه دار و قلبش را مجروح سازد » (13)

- 8- بحار الانوار ، ج 74 ، ص 417
- 9- شرح غررالحکم ، ج 1 ، ص 216
- 10- همان ، ص 53
- 11- شرح غررالحکم ، ج 1 ، ص 393
- 12- بحار الانوار ، ج 11 ، ص 592
- 13- وسائل الشیعه ، ج 11 ، ص 592
- 14- شرح غررالحکم ، ج 6 ، ص 290

1. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْبِرُّ مَا طَابَتْ بِهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ؛ [4] « 1. رسول خدا(ص) فرمود نیکی آن است که موجب رضایت نفس انسان و اطمینان قلبش شود.
2. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) « يَقُولُ خِيَارُكُمْ سُمَحَاؤُكُمْ وَ شَرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ وَ مَنْ خَالَصَ الْإِيمَانَ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ إِنَّ الْبَارَّ بِالْإِخْوَانِ لَيُجِبُهُ الرَّحْمَنُ وَ فِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ تَزْحَرُحُ عَنِ النَّيِّرَانِ وَ دُخُولُ الْجَنَّةِ»؛ [5] راوی می گوید شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود بهترین افراد شما افراد با گذشت اند و بدترین شما بخیلان شما هستند. از ایمان خالص نیکی در حق برادران و کوشش در انجام

احتیاجات آنان است؛ چرا که نیکی به برادران محبوبیت خداوند را موجب می‌شود که نتیجه این کار دوری شیطان و برکنار شدن از آتش و وارد شدن به بهشت است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) خِيَارُكُمْ سَمَحَاؤُكُمْ وَ شِرَارُكُمْ بُحْلَاؤُكُمْ وَ مِنْ صَالِحِ « 3. الْأَعْمَالِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ فِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ تَزْحَرُحُ عَنِ النَّيِّرَانِ « وَ دُخُولُ الْجَنَّةِ »؛ [6] امام صادق (ع) فرمود: بهترین افراد شما افراد با گذشت‌اند و بدترین شما بخیلان شما هستند و از کارهای شایسته، نیکی در حق برادران و کوشش در انجام احتیاجات آنان است که نتیجه این کار دوری شیطان و برکنار شدن از آتش و وارد شدن به بهشت است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي « 5. الْأَعْمَالِ »؛ [8] نیکوکاری و خوش اخلاقی، خانه‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند.

گفتنی است؛ با توجه به تأکید ویژه اسلام به مسئله احسان و نیکی، روشن است که نیکی هر انسانی نسبت به برادران دینی خود، به تناسب موقعیت، درآمد و جایگاه اجتماعی فرد باز می‌گردد و هر کسی در هر موقعیت و جایگاهی که قرار دارد می‌تواند به دیگران احسان کند، حتی افرادی که از حداقل‌های زندگی برخوردارند و توان کمک مالی به دیگران را ندارند، می‌توانند با اخلاق و رفتار نیکو، نسبت به این مهم اقدام نمایند.

«برای آگاهی بیشتر، ر. ک: منابع حدیثی، «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ

برای آگاهی بیشتر در این باره، ر. ک: سیره اخلاقی امام سجاد، ۲۳۰۳؛ [1]. رفتار امام علی (ع) با دشمنان، ۴۲۳۴۳؛ رفتار ائمه اطهار (ع) با شاگردان و افراد ناشناس، ۱۸۳۶۳؛ اهل بیت (ع) شأن نزول آیه "و يطعمون الطعام..."، ۱۸۴۳۹.

بقره، 195. [2].

اسراء، 7. [3].

ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ص 148، تهران، مكتبة
النينوی الحديثة، چاپ اول، بی‌تا

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، [5]
آخوندی، محمد، ج 4، ص 41، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم،
1407ق

ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج [6].
1، ص 96، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، 1362ش

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 72، ص 379، بیروت، مؤسسة الطبع
و النشر، چاپ اول، 1410ق

کافی، ج 2، ص 100. [8]

خواب عجیب پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دیشب عجایی را
در خواب دیدم! از جمله دیدم مردی از امت مرا
خواستند، عذاب کنند ولی وضو آمد و مانع عذابش
شد! دیدم شیاطین، مردی از امت مرا دچار وحشت
کردند ولی ذکر خداوند سبحان آمد و او را نجات
داد! دیدم مردی از امت مرا که مأمورین عذاب به
سراغش آمدند ولی نماز آمد و مانع شد! دیدم مردی
از امت دچار تشنگی و عطش بود و هرگاه
میخواست آب بنوشد، مانع می شدند ولی روزه
رمضان آمد و او را سیراب کرد! دیدم مردی از امت

را که می خواست یه گروه پیامبران، که حلقه وار
نشست بودند، بپیوندد، ولی نمی گذاشتند . اما غسل
جنابت آمد و دست او را گرفت و در کنارم نشاند !
دیدم مردی از امتم را که مقابل و پشت سر و سمت
راست و چپ و پائینش، تاریک است و او در
تاریکی واقع شده بود . ولی حج و عمره آمد و او را
از تاریکی در آورد و وارد نور کرد ! دیدم مردی از
امتم، با مؤمنین صحبت می کرد . ولی آنها با او حرف
نمی زدند آنگاه صله رحم آمد و گفت:

ای مؤمنین ! با او سخن بگویید که او صله رحم
می نمود . آنها با او سخن گفتند و با او دست دادند !
دیدم مردی از امتم را که دست و صورت خود را از
آتش دور می کرد . تا اینکه صدقه آمد و سایه بر
سرش و پرده بر صورتش شد ! دیدم مردی از امتم را

که زبانه آتش از هر طرف، او را گرفته بود . ولی امر
بمعروف و نهی از منکر آمدند و او را خلاص کردند
با ملائکه رحمت قرار دادند ! دیدم مردی از امتم را
که نشسته بود و بین او و رحمت الهی، مانع قرار
داشت . ولی خوش اخلاقش آمد و دست او را
گرفت و وارد رحمت الهی نمود ! دیدم مردی از
امتم را که نامه عملش به دست چپ بود . ولی خوف
او از خداوند سبحان آمد و نامه عملش را بدست
راستش داد ! دیدم مردی از امتم را که بر لبه جهنم
ایستاده بود . ولی امیدش به خداوند سبحان آمد و او
را نجات داد ! دیدم مردی از امتم در آتش افتاد ولی
اشکهایی که از ترس خداوند سبحان ریخته بود آمد
و او را از آتش در آورد ! دیدم مردی از امتم بر پل
صراط می لرزید . ولی حسن ظنش به خداوند سبحان
آمد و لرزشش بر طرف شد و از صراط عبور کرد !

دیدم مردی از امتم بر صراط است و گاهی بر
سینه‌اش و گاهی بر دست و پایش می‌رود و گاهی
معلق می‌شود. ولی صلوات او بر من آمد و او را
برپایش ایستاند و از صراط عبورش داد! دیدم مردی
از امتم بر در بهشت است ولی در بهشت بسته بود. تا
اینکه شهادت (لا اله الا الله) آمد و درها را باز کردند
و او وارد بهشت شد! بحار الانوار، ج 290/7

احسان و نیکوکاری و خیر بودن از ویژگیهای مهم اهل بیت علیهم السلام بوده است و وقتی شخص گرفتاری به آنها مراجعه می کرد، اهل بیت ع تمام سعی و تلاش خود را به کار می بستند تا مشکل آن فرد بر طرف شود و گاه برای رفع مشکل مردم کارهای عجیبی می کردند. مثلاً درباره امام هادی علیه السلام آمده است که :

روزی شخصی نزد امام هادی علیه السلام رفت و اظهار نمود که بدهی زیادی دارم و درخواست کمک کرد .

امام علیه السلام به او فرمود : من کاری را می خواهم که تو انجام دهی ، و تو را قسَم می دهم که امتناع نکنی !
گفت : امتناع نخواهم کرد .

امام علیه السلام کاغذی نوشتند مبنی بر اینکه این شخص مبلغی از امام طلبکار است . سپس به او گفتند : وقتی عده ای از مردم نزد من هستند ، این کاغذ را بیاور و طلب خودت را از من بخواه !

او این کار را کرد و خلیفه هم بوسیله جاسوسانش خبردار شد و کیسه‌ای پول برای امام علیه‌السلام فرستاد و امام علیه‌السلام هم آن را به او داد¹

همچنین روایت شده شخصی بنام رضید به امام صادق ع پناهنده شد و گفت از طرف

حاکم عراق تحت تعقیب است

او می‌گوید: «امام علیه‌السلام به من فرمود: «نزد حاکم برو و از من به او سلام برسان و بگو: جعفر بن محمد علیه‌السلام می‌گوید من غلام تو رضید را پناه داده‌ام، او را اذیت نکن»». گفتیم: «فدایت شوم او شامی و خبیث الرأی و بد عقیده است. چطور این پیام را به او بدهم و خود را در اختیار او قرار دهم؟» امام علیه‌السلام فرمود:

«پیش او برو و آنچه گفتیم، بگو». من به طرف کوفه راه افتادم. در بیابان یک نفر عرب نزد من آمد و گفت: «کجا می‌روی؟ قیافه تو قیافه مقتول است که کشته خواهد شد». بعد گفت: «دستت را ببینم. دستم را نشانش دادم، گفت: «دست مقتول است که حکایت از مردن دارد»، بعد گفت: «پایت را ببینم»، چون دید گفت: «پای مقتول است»، بعد گفت: «بدنت را ببینم؟ چون دید گفت: بدن مقتول است. بعد گفت: زبانت را ببینم؟ چون دید گفت: «برو در زبانت پیامی هست که اگر به کوه‌های محکم و ثابت هم آن پیام را برسانی مطیع تو می‌شوند». من به کوفه رفتم و در کاخ ابن بصیره رفتم و اجازه ورود خواست. چون وارد شدم گفت: «دو پایت تو را به سوی بدبختی آورده است». بعد گفت: «غلام! چرم و شمشیر بیاور». آنگاه دستور داد که دست‌های مرا از پشت بستند و سرم را راست گرفتند، و جلد خواست گردن مرا بزنند. گفتیم: «امیر، مرا با زور نگرفتی، من با پای خود آمده‌ام. جریانی هست که می‌خواهم به تو

¹ستارگان درخشان: ج 12، ص 35.

بگویم آن وقت هر چه خواستی بکن». گفت: «بگو» گفتم: «در حضور اینها نمی‌شود». گفت: «همه بیرون روند». چون من ماندم و او، گفتم: «جعفر بن محمد علیهما السلام، به تو سلام رساند و گفت: من غلام تو رضید را پناه داده‌ام به او اذیت نرسان». گفت: «الله اکبر! جعفر بن محمد علیهما السلام چنین گفت و به من سلام رساند» گفتم: «والله آری»! سه دفعه سؤال را تکرار کرد و در هر دفعه گفتم: «به خدا قسم! آری» در این وقت او دست‌های مرا باز کرد و گفت: «این کافی نیست! باید تو هم دست‌های مرا از پشت ببندی» گفتم: «دستم جسارت نمی‌کند، دلم اجازه نمی‌دهد». گفت: «نه به خدا سوگند باید چنین کنی». من دست‌های او را بسته و باز کردم و او مهر حکومت را به من داد و گفت: «کارهایم در دست توست. هر طور می‌خواهی اداره کن»²

بخش دوم: نمونه هایی از نیکوکاری

داستانهایی از نیکوکاری

1- حضرت خدیجه س با ارثی که از دو شوهرش برجای ماند و باتدبیرات اقتصادی و مالی، ثروت هنگفتی را فراهم کرده بود. بطوری که دهها هزار شتر، کالاهای و مال التجاره او را به بازارهای مراکز اقتصادی جهان حمل و نقل می کردند. او چهارصد غلام و کنیز داشت و ثروت ثروتمندان، در مقابل دارائی او ناچیز بود

اما زمانی که خدیجه کبری مسلمان شد همه ثروت خود را در راه اسلام خرج نمود. بطوری که وقتی زمان رحلتش فرا رسید پولی نداشت تا با آن کفنی برای خود تهیه نماید.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی»

نقل می کند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در شب رحلتشان به پیامبر اکرم خواهیم به شما عرض (صلی الله علیه وآله) عرض کردند: یا رسول الله چند مطلب را می

کنم. اول اینکه من را ببخشید چون من قدر شما را ندانستم و نتوانستم آنطور که شایسته شما باشد به شما خدمت کنم. پیامبر(صلی الله علیه و آله) به ایشان پاسخ دادند: تو کوتاهی نکردی و هرچه از دستت برآمد انجام دادی.

حضرت خدیجه ادامه دادند: مطلب دوم اینکه پس از من این دختر یتیم می شود. این سپارم و مواظب او باشید. دختر سه ساله را به شما می

کنم به شما بگویم؛ لطفاً از اتاق تشریف سپس عرض کردند: مطلب سوم را حیا می برید تا دخترم فاطمه داخل شود؛ به او می گویم که به شما عرض کند.

پس از این سخن، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) به اتاق وارد شدند. خدیجه(سلام الله علیها)، فاطمه(سلام الله علیها) را به آغوش کشیدند و به او گفتند: دخترم به پدرت رسول الله بگو که من هرچه داشتم در راه اسلام خرج کردم و الان ترسم؛ از پدرت می خواهم که لباس خود برای تهیه کفن خود پولی ندارم. من از قبر می را کفن من قرار دهد تا از عذاب قبر در امان باشم.

حضرت زهرا(سلام الله علیها) این سخنان مادر را به پیامبر(صلی الله علیه و آله) منتقل کردند که ناگهان جبرئیل نازل شد و عرض کرد: “خداوند عزوجل فرمود: که خدیجه

تمام اموالش را در راه ما خرج کرد و سزاوار است که ما برایش کفن بفرستیم" و بدینگونه خداوند از بهشت برای این بانوی بانوان کفن فرستاد.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) نیز آن ردای خویش را که با آن نماز شب می خواندند و عبادت می کردند به خدیجه دادند. پس در حقیقت حضرت خدیجه(سلام الله علیها) با دو کفن - یکی لباس بهشتی و دیگری لباس پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) - به خاک سپرده شدند

2-پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام بخشی از وقت و مال آنها صرف

کارهای خیر بود.انقدر کار خیر می کردند که نمی توان آنها را شمرد.

مثلا رسول خدا لباس خود را به نیازمندی بخشیدند. بطوری که نتوانستند برای نماز جماعت به مسجد بروند.هرکسی به پیامبر خدا برای درخواست پول مراجعه می کرد،دست خالی بر نمی گشت مگر اینکه پیامبر چیزی نداشتند به او بدهند.

پیامبر خدا مسجد مدینه را با کمک مردم درست کردند.به کسانی که جا و مکان نداشتند در مسجد جا دادند و غذای آنها را باندازه حداقلی تامین می کردند.

حضرت زهراى مرضيه نيز مرتب به نيازمندان كمك مى كردند كه داستان گردنبند حضرت معروف است. حتى شب عروسي لباس نو خود را به خانمي نيازمند بخشيدند.

داستان بخشيدن غذاى افطاري خود توسط آل كسا ونزول سوره هل اتى در شان آنها معروف است.

اميرالمومنين هم كه همه مى دانيد چه شبهاي زبادي كه كيسه غذا بر دوش به در خانه فقرا مى رفتند و به آنها مى دادند. درخانه ايتام و زنان بي سرپرست مى رفتند و به آنها كمك مى كردند. چه قنات ها و چاهها و باغها كه وقف نكردند. و...

امام حسن مجتبي ع هم مهمانخانه اى داشتند براي پذيرايي از افراد غريب. سه بار امام هر چه داشتند بخشيدند.

امام حسين ع هم در بخشش بي نظير بودند. كنيز ان حضرت يك شاخه ريحان به حضرت هديه داد امام درمقابل او را در راه خدا ازاد كردند و...

ساير امامان هم اين چنين بودند

وقتی امام سجاد(ع) در کوچه حرکت می کرد، اگر سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می داد. امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافرین را انجام می دادند و مسافرین هم که امام را نمی شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعده حضرت می گذاشتند. »

درباره امام زمان عج هم هزاران داستان بخشیدن پول به افراد مختلف

وجود دارد . در روایت است وقتی امام تشکیل حکومت می دهد انقدر به

مردم پول می دهد که سابقه نداشته است.

3- شیعیان اهل بیت علیهم السلام هم اهل خیر و کارهای نیک بودند. که به

چند نمونه اشاره می شود:

«وقتی آیه الله نجفی در زمستان به حرم مشرف می شد. اگر برف ، کوچه ها را پر کرده بود، با خود پارو یا بیل می داشت و مسیر خانه تا حرم را باز می نمود. ایشان اگر پوست موز و امثال آنرا در کوچه می دیدند ، با عصا آنها را کنار می زدند.»

پیامبر(ص) فرمود: بدرستی که از جمله چیزهایی که از اعمال و حسنات مؤمن بعد از مرگش، به او ملحق می شود، علمی است که

تعلیم و نشر داده و یا فرزند صالحی است که بجا گذاشته و یا مسجدی است که ساخته و یا خانه ای است برای در راه ماندگان، ساخته و یا نهری است که برای مردم روان نموده و یا صدقه ای است که در زمان سلامتی، خود آنرا داده است!»

« مرحوم نراقی از یکی از موثقین، نقل نموده است که: روز سه شنبه

یکی از سالها، به خانه یکی از دوستان که نزدیک قبرستان بود، رفتیم. سپس تصمیم گرفتیم که زیارت اهل قبور برویم. وقتی بر روی قبرها نشسته بودیم، یکی از رفقا به شوخی، خطاب به یکی از قبرها که نزدیکمان بود، گفت: ای صاحب قبر! ایام عید است! آیا از ما پذیرائی نمی

کنی؟ ناگاه صدائی از قبر بلند شد که گفت: هفته دیگر، سه شنبه، همه همینجا مهمان من هستید! همه ما وحشت کردیم! و گمان کردیم تا روز سه شنبه بیشتر، زنده نیستیم! مشغول وصیت و توبه و اصلاح کارهایمان شدیم! اما از مرگ خبری نشد! روز سه شنبه، قسمتی از روز که گذشت،

باهم جمع شدیم و گفتیم که بر سر همان قبر برویم. شاید منظور مردن

نبوده است! وقتی که سر قبر رفتیم، یکی از ماها گفت: ای صاحب قبر! به

وعدۀ خود عمل کن! صدائی بلند شد که بفرمائید! ناگاه باغی در جلو چشم مظاهر شد، در نهایت طراوت و صفا، با نهرها و درختهای میوه و مرغهای خوش الحان! به ساختمان زیبائی رسیدیم و دیدیم که شخصی

خوش سیما با خدمتکاران خود، نشسته است! چون ما را دید، با انواع و

اقسام شیرینیجات و میوه هایی که در عمرمان ندیده بودیم، از ما پذیرائی

کرد! هرچه می خوردیم، چنان لذت داشت که سیر نمی شدیم!... از او

سؤال شد که: از کجا به این مقام رسیدی؟ گفت: من قصاب بودم! دو خصلت را همیشه رعایت کردم: کم فروشی نکردم! نماز اول وقتم، ترک نشد!»

«رسول خدا (ص) فرمود: روزی حضرت عیسی (ع) از قبری عبور کرد

و مشاهده نمود که صاحب آنرا عذاب می کنند. سال بعد وقتی از آنجا عبور می کرد، متوجه شد که از عذاب خبری نیست! سؤال کرد: خدا یا!

سال گذشته این شخص را عذاب می کردند ولی امسال از عذاب اثری

نیست! خدا به او وحی کرد: ای روح الله! این مرد، فرزند صالحی دارد که

امسال راهی را برای مردم ساخته است و یتیمی را پناه داده است! لذا این مرده را بخاطر فرزندش آمرزیدم.»

امام صادق (ع): اگر مؤمنی به شخصی درباره چیزی که نیاز دارد، مراجعه کند و آن شخص در حالیکه خود و یا با واسطه می تواند که رفع احتیاج او نماید ولی جواب رد بدهد، روز قیامت با صورتی سیاه و چشمانی برگشته و دستهایش زنجیر شده به گردن، محشور می شود و به او گفته می شود:

این خائنی است که به خدا و رسولش، خیانت کرده است! سپس امر می

شود که به جهنم انداخته شود.»

«کسیکه در کنار جاده ها، مکانهایی برای اسکان مسافران درست کند، در قیامت، بر تختی از نور مبعوث شده و نور صورتش به اهل محشر،

درخشانی می کند، بطوریکه ایجاد مزاحمت برای نور حضرت ابراهیم در قبه اش می کند و مردم می گویند: این فرشته ای از فرشتگان است!»

«امام سجاد (ع): کسیکه برادر مؤمنش را بر وسیله خود سوار کند، خداوند او را در حالیکه سوار بر ناقه بهشتی است، محشور کند.»

« رسول خدا(ص): هنگامیکه مؤمن از قبر محشور می شود، هیکلی شبیه خودش، جلو او قدم می گذارد و هر کجا مؤمن دچار ترس و هراس های قیامت می شود، آن هیکل به او دلداری می دهد و می گوید: ترس!

و ناراحت نباش! و بشارت باد بر تو به خوشحالی و کرامت خدا! تا اینکه

مؤمن حساب آسانی پس می دهد و امر به رفتن به بهشت می شود و در تمام این مراحل او با این شخص است. وقتی مؤمن می خواهد داخل بهشت شود، به آن هیکل می گوید: تو خوب شخصی هستی که همراهم از قبر خارج شدی و به من بشارت دادی تا اینکه براحتی به بهشت رسیدم. تو کیستی؟ می گوید: من همان شادی هستم که در دنیا، در دل برادر مؤمنت وارد نمودی! خدا مرا خلق کرد تا بتو آرامش و بشارت بدهم!»

«امام صادق(ع): هر روزیکه می آید، آن روز می گوید: ای فرزند آدم!

من روز جدیدی هستم و روز قیامت بر اعمال تو شهادت می دهم! پس

در من و بوسیله من کار خیر انجام بده تا روز قیامت بنفع تو شهادت بدهم. و بدان که بعد از امروز دیگر مرا نخواهی دید! و شب هم به همین

صورت با انسان سخن می گوید.»

«امام صادق(ع):عمل صالح پیشاپیش به بهشت رفته و همانطور که انسان غلامش را پیش می فرستد تا جایش را آماده کند،عمل صالح منزل بهشتی او را آماده می کند.»

«رسول خدا(ص):هر که به عده ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.»

«رسول خدا(ص):هر که چیزهایی که در راه وجاده افتاده و باعث اذیت عابرین می شود را بردارد،برایش ثواب چهارصدآیه که برای هر آیه ای،ده حسنه داده میشود،نوشته می گردد.»

«امام ششم(ع):روزی امام سجاد(ع) به محلی می رفت،در راه سنگهایی را مشاهده نمود که در جاده افتاده بود.پیاده شد و آنها را با دست برداشت و کناری گذاشت.»

«رسول خدا(ص):هر مسلمانی باید روزانه صدقه بدهد!گفته شد:چه کسی طاقت عمل کردن به این دستور را دارد؟ فرمود:برداشتن اشیائی که باعث اذیت عابرین می شود،صدقه است،راهنمایی گمشدگان و کسانی که بدنبال چیزی می گردند، صدقه است،،عیادت از مریض،امر بمعروف ونهی از منکر صدقه است.حتّی ' جواب سلامی که می دهی صدقه است.»

امام ششم(ع):کسیکه غیر از خانه خود،خانه دیگری که به آن نیاز ندارد،داشته باشد.در این حال،فرد مؤمنی درخواست استفاده

از خانه مازاد اورا بنماید. ولی صاحبخانه به او اعانت ننماید و جواب منفی بدهد، خداوند عزّ وجلّ می فرماید: ای فرشتگانم! بنده من بخل ورزید! و خانه اش را به بنده نیازمندم نداد. به عزّتّم سوگند! که اورا در بهشتّم ساکن نگردانم.»

«امام ششم(ع): خداوند به کار نیکی پاداش می دهد که قبل از تقاضای شخص محتاج، انجام شود. ولی با اینکه می دانستی او نیازمند است ولی صبر کردی تا او نزد شما آمد و از تو کمک خواست و در این حال از شرم، خون به صورتش دوید، و شک داشت که تو به او کمک می کنی یا خیر! بخدا سوگند! و باز بخدا سوگند! اگر هر چه داری به او بدهی باز هم باندازه کافی به او کمک نکرده ای!»

«امام صادق(ع): ای مفضل! اگر می خواهی بدانی فلان شخص سعادت مند است یا بدبخت! به کارهای نیک او نگاه کن و بین به چه کسانی کمک می کند؟ اگر به محتاجان و نیازمندان و متدینین کمک می کند، او بسوی خیر و سعادت پیش می رود و اگر به افراد بی نیاز و غیر دیندار کمک می نماید، بدان نزد خدا پاداشی ندارد.»

«علی(ع): کسیکه بتو گمان خوب دارد، و تو را از افراد نیکو کار می شناسد، تو هم سعی کن در عمل، گمان او را تأیید کنی!»

«امام ششم(ع): نیکوکاران در دنیا، نیکوکاران آخرت هستند! روز قیامت خدا به آنان گوید: گناهان شما را آمرزیدم. می‌توانید ثواب کارهای نیکتان را به هر که می‌خواهید، بدهید.

وانجام دادن کار خیر و نیکوکاری بادل و زبان و دست، بر هر شخصی واجب است و هر که از دستش، کار خیر بر نمی‌آید، با زبان و دل، کار خیر انجام دهد و اگر با زبان هم نمی‌تواند، در دلش نیت خیر کند.»

«امام سجاد(ع): هر که حاجت مؤمنی را روا نماید، مثل اینست که حاجت خدا را روا کرده است! و بخاطر آن، خداوند صد حاجت از او را که راحت‌ترین آنها بهشت است، برای او روا می‌کند. و هر که غم مؤمنی را برطرف کند، خداوند در قیامت، بالاترین غم او را بر طرف می‌نماید. و هر که مظلومی را علیه ظالمی کمک کند، خداوند او را بر پل صراط، در جائیکه قدمها بلغزد، یاری نماید. و هر که در کارهای مؤمنی تلاش کند بطوریکه او را خوشحال نماید، مثل آنست که رسول خدا(ص) را خوشحال نموده است. و هر که تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند از حیق مختوم (شراب بهشتی) او را سیراب نماید. و هر که گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند به او از میوه‌های بهشتی بخوراند. و هر که عریانی را بپوشاند، داوند او را از استبرق و حریر بهشتی بپوشاند. و هر که بر غیر عریانی، لباس بپوشاند، تا زمانیکه آن لباس بر تن اوست، در ضمانت الهی قرار گیرد. و هر که مؤمنی را بر مرکب (وسیله نقلیه) خود سوار کند، روز قیامت خداوند او را بر شتری از شتران بهشت سوار نماید، بطوریکه ملاتکه به او مباحات نمایند. و هر که میت مؤمنی را کفن کند، مثل

این است که از روز ولادت تا مرگش بر او لباس پوشانده باشد. و هر که زنی را برای مؤمنی تزویج کند و آن مؤمن با همسرش در صلح و آرامش باشد، خداوند در قبر او را با صورت محبوبترین خانواده‌اش مأنوس نماید. و هر که به عیادت مریضی بود، ملائکه برای او دعا می‌کنند تا از عیادت برگردد و به اومی گویند: بهشت بر تو گوارا باد!

و بخدا سوگند! روا کردن حاجت مؤمن نزد من از دوماه روزه پشت سر هم، بصورت اعتکاف در ماههای حرام، محبوبتر است.»

«امام هفتم(ع): اگر شخصی نمی‌تواند با ما مرتبط باشد، با فقیران شیعه مرتبط باشد و هر ک به زیارت قبور ما دسترسی ندارد، قبور برادران صالح ما را زیارت کند.»

«امام ششم(ع): کسیکه در حال حل کردن مشکل مؤمنی است، ثوابش در نزد من از ثواب هفتاد طواف بالاتر است.»

«امام ششم(ع): اگر من در برطرف کردن مشکل برادر مسلمانی تلاش کنم، برایم بهتر است از آزاد کردن هزار غلام و یا فرستادن هزار اسب برای مجاهدین فی سبیل الله!»

«رسول خدا(ص): شخصی را که بتو امید دارد، ناامید نکن که خدا با تودشمن می‌شود.»

«امام ششم(ع): اگر مؤمنی، چیزی را که مؤمنی دیگر به آن نیاز دارد به او ندهد در حالیکه می‌توانسته نیاز او را بر طرف کند، و یا از طریق دیگران مشکل او را حل نماید، خداوند در قیامت او را با صورتی سیاه، چشمانی برگشته، در حالیکه دستهایش را به گردنش زنجیر نوده‌اند، می‌آورند. و به او گفته می‌شود: این شخصی است که به خدا و رسول خیانت کرده‌است. آنوقت دستور داده می‌شود، او را به آتش بیاندازند.»

«امام ششم(ع): هر شیعه‌ای که وقتی برادر مسلمانش به او مراجعه می‌کند و از او در رفع مشکلی کمک بطلبد و او با اینکه می‌تواند کمکش کند ولی او را کمک ننماید، خداوند او را مبتلا می‌کند به اینکه حاجات دشمنان ما را برآورده کند که خداوند بسبب همین او را روز قیامت، عذاب می‌کند.»

«از رسول خدا(ص) سؤال شد: کدام عمل نزد خدا محبوبتر است؟ فرمود: خوشحال کردن مسلمانی را! سؤال شد: چگونه و به چه وسیله‌ای؟ فرمود: اگر گرسنه است سیرش کند! اگر غمگین است، غم او را برطرف نماید! و اگر مقروض است، قرضش ادا کند.»

«امام پنجم(ع): تبسم بر لب داشتن در هنگام دیدار با مؤمن، ثواب است و بر داشتن خاشاک از روی صورتش ثواب است و بنده‌ای نزد خدا محبوبتر است که مؤمنی را خوشحال کند.»

«علی(ع): مؤمنین ضعیف را تحقیر نکنید که در اینصورت خدا بین او و آن مؤمن را در بهشت جمع نمی کند(یا او بهشت می رود و یا تو) مگر اینکه توبه کند. و مؤمن نسبت به برادرش غش در معامله (کلاهبرداری) نمی کند! به او خیانت نمی نماید! او را خوار نمی نماید! او را متهم نمی کند و به او نمی گوید: من از تو بیزارم!»

«رسول خدا(ص): اگر دو مسلمان با هم قهر کنند و از سه روز بگذرد، از اسلام خارج شده اند. و هر کدام زودتر صلح کرد، روز قیامت زودتر بهشت می رود.»

شیخ زین العابدین مازندرانی

درباره این عالم جلیل القدر که مرجع تقلید بوده است، آمده است: تا می توانست قرض می کرد و به مردم می داد و هر چند

وقت یکی از ثروتمندان هند به کربلا می آمد و قرضهای او را می داد! در یکی از سفرهایش به سامراء، سخت مریض می شود و چون میرزای شیرازی از او عیادت می نماید و او را دلداری می دهد، شیخ می گوید: من هیچ گونه نگرانی از مرگ ندارم! ولكن نگرانی من از این است که بنا به عقیده ما امامیه، وقتی که می میریم، روح ما را به امام عصر(عج) عرضه می کنند. اگر امام سؤال بفرماید: زین العابدین! اما بتویش از این اعتبار و آبرو داده بودیم تا بتوانی قرض کنی و به فقرا بدهی! چرا نکردی؟ من چه جوابی به آن

حضرت می توانم بدهم؟ میرزا پس از شنیدن این سخن به منزل می رود و هرچه از وجوه در آنجا داشته، میان مستحقین قسمت می کند.

شیخ مرتضیٰ انصاری

دربارهٔ موااسات و توجه به مردم توسط این شخصیت بزرگ آمده است: دستگیری از فقرا و بینوایان را جزء وظائف حتمی خود می دانست و از ایام کودکی این شیوهٔ خداپسندانه را داشت. از اشخاص موثق، بطور متواتر رسیده که در بقعهٔ پیرمحمد واقع در محلهٔ حیدر خانهٔ دزفول، فقری عاجز بود و شیخ هر شب شام خود را به آن فقیر می داد و خود باشکم گرسنه می خوابید یا به اندک چیزی قناعت می کرد.

بخشهای شیخ در پنهانی بود. بسیاری از فقرا، معاش معینی داشتند که همیشه سالانه و ماهانه، به آنان می رسید و هیچ نمی دانستند که از کجا تأمین می شوند.

در شبهای تار و سحرها، برادر خانهٔ فقرا می رفت و لباس خود را مبدل می کرد و صورت را می پوشانید و به هر خانواده ای بمقدار احتیاجشان مرحمت می فرمود. هنگامیکه از دنیا رفت معلوم شد که آن مردی که برادر منازل محرومین در اوقات غیر متعارفه می آمده است، شیخ انصاری بوده است.

ترک دادن معتاد:شخصی خیّر معتادی را به منزل خود برد و مدتی از او نگه داری کرد و او را وادار به ترک مواد مخدر نمود.

....تشکیل قرض الحسنه:شخصی یک قرض الحسنه از اموال خود تهیه کرد و به مردم وام می داد..

.. خانه ایتم:زن و شوهری تعدادی از دختران نوجوان بی سرپرست را با مجوز بهزیستی جمع اوری نموده و در ساختمانی از آنها نگه داری می کردند

...خانه نیکوکاری:در تعدادی از محله ها و مساجد خانه نیکوکاری برپا شده و به نیازمندان محل کمک می نمایند..

..ساختن پل:افراد خیری بودند که برای رفاه مردم در جاهایی که نیاز بود پل درست می کردند

...کتابخانه.افراد خیری هستند که موسس کتابخانه هستند و دربالارفتن دانش

مردم کمک می نمایند.حتی در دوران تمدن اسلامی به افرادی که مرتب

کتابخانه می آمدند ماهانه هدیه می دادند.

.مسجدو.حسینیه:علاوه بر ساختن هزاران مسجد مانند مسجد گوهرشاد و

مسجد اعظم و نمازخانه ها ،هزاران حسینیه هم توسط افراد خیر بناشده است

تامردم در آنها جمع شوند و برای اهل بیت علیهم السلام مراسم برگزار

نمایند.

...دارالقران:برای برگزاری جلسات قران کریم،توسط خیرین هزاران

دارالقران ساخته شده است..

... احیا و وقف چاه و قنات و باغ:عده ای از خیرین برای استفاده مردم قناتها

چاهها و باغها را احیا کردند.

... کمک به حوزه ها و احداث ساختمان حوزه و تاسیس حمام بر ای

طلاب:در کشور ما دهها حوزه علمیه بوسیله خیرین ساخته شده است..

... تهیه قرآن و مفاتیح برای روستاها:افرا خیری هستند که قران و مفاتیح و

کتاب دینی برای روستاهای محروم تهیه می نمایند..

..پذیرایی از روحانی در روستا.افراد خیری هستند که در ایامتبلیغ ،میزبان روحانی اعزامی می شوند و گاه کل ماه مبارک رمضان از روحانی در افطار و سحر پذیرایی می نمایند.

...اطعام روزه دارها:یکی از سنتهای خیلی خوب این است که در ماه مبارک رمضان خیرین به مردم افطاری می دهند..

..پذیرایی در اعیاد و موالید اهل بیت علیهم السلام.عده ای از خیرین هستند که در چشنها و عزاداری اهل بیت علیهم السلام پول خرج می کنند و از مردم چه بوسیله شام ناهار و صبحانه و چه بوسیله شیرینی و شربت و خرما و غیره پذیرایی می نمایند..

. آب سردکن:عده ای از خیرین برای رفع تشنگی مردم آب سردکن در ...جایگاه شهرها و روستاها نصب می نمایند.

کمک به عتبات عالیات:یکی از کارهای خیرین کمک به توسعه ساختمانهای عتبات عالیات است که کمکهای هنگفتی که بیش از هزار میلیاردتومان تخمین زده شده تا کنون کمک شده است.

خیرینی هستند که به تحصیل دانش نوجوانان جوانان چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه در حوزه های علمیه کمک می کنند که نمونه ان کمک یکی از خیران به آیه الله تبریزی و رفتن ایشان به عراق و کسب درجه اجتهاد توسط ایشان می توان اشاره نمود.

کاروانسراهایی که در سراسر ایران تاسیس شد چقدر به مردم کمک کردند. بیمارستان‌ها. صدها بیمارستان توسط خیرین احداث شده و کمک بزرگی به درمان بیماران نموده اند..

چند میلیارد تومان همه ساله توسط خیرین به ستاد دیه کمک می گردد همچنین میلیاردها تومان به ستاد جهیز یهدر شهرهای مختلف کمک می شود حتی بعضی خیرین اصرار دارند که به هیچ وجه نام انها اعلام نگردد.

بعضی شهدا چقدر کار خیر می کردند. وقتی با خانواده شهدا صحبت می کنیم عده ای از انها می گویند که بعد از شهادت شهیدمان، خانواده های مستضعفی به انها مراجعه کردند و گفتند ماهانه از طرف شهید کمک دریافت می کردند.

بانوی خیری که واسطه اجابت بیش از ۴ هزار آرزو بوده

رکنا: «آرزو» از آن واژه‌هایی است که با حسرت پیوند دارد. آدم‌ها هر صبح چشمانشان را به امید اجابت آرزوهایشان می‌گشایند. آرزوهایی که گاهی کوچک اند به قواره داشتن یک عروسک و گاهی بزرگ و دشوارند به اندازه حسرت سقفی بالای سر یا هزینه نجات جان عزیزی از مرگ. در این میان آدم‌هایی هم هستند که هر صبح‌شان را با اندیشه آرزوهای دیگران آغاز می‌کنند و کمر همت می‌بندند به اجابت آن‌ها. می‌پرسید چطور؟

بزنی تا ببینید **فضای مجازی** باید سری به صفحات «کمپین آرزوهای قشنگ» در اعضای آن که همشهریان خود ما هستند، چگونه در دو سال گذشته بیش از چهار هزار آرزو را برآورده کرده اند. مسئولیت این پویش را «سمیرا شاهوردی» بانوی 33 ساله‌ای از اهالی لرستان بر عهده دارد که سال‌هاست ساکن مشهد شده و به همراه یک گروه جهادی کارش را از حاشیه شهر مشهد آغاز و تا ویرانه‌های زلزله کرمانشاه گسترش داده است. آن‌چه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ما با این بانوی پرتلاش است:

آغازی از یک حسرت بزرگ

سراغاز صحبت مان از ورود او به وادی آرزوهاست، برایمان تعریف می‌کند: از سال 82 که ساکن مشهدالرضا شدم فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی‌ام را در یک پایگاه بسیج شروع کردم، سال‌های 95 و 96 فعالیت‌هایم در منطقه قاسم‌آباد مشهد به اوج خود رسید. در آن برهه، دوره‌ای برای آشنایی فعالان فرهنگی با

مسائل حاشیه شهر مشهد برگزار شد که مرا با شرایط بخشی از ساکنان این مناطق آشنا کرد. مشکلاتی که تا پیش از این تصویری از آن‌ها نداشتیم. او می‌گوید که تأکید رهبر معظم انقلاب بر تلاش برای توسعه امور فرهنگی در مناطق محروم و بهره‌مندی از ظرفیت‌های فضای مجازی حجت را بر او تمام کرده است تا در این مسیر جدی‌تر قدم بردارد؛ «اولین قدم را در تاریخ 22 بهمن 1395 برداشتم و سری به اهالی یکی از محلات حاشیه‌نشین شهر زدم. مشکلاتشان را از نزدیک دیدم. پیگیر برنامه‌های فرهنگی برایشان بودم. خلاصه به مدت دو هفته، هر روز سراغ اهالی آن منطقه می‌رفتم. اسفند همان سال با هم‌جود آشنا شدم. کودک شش هفت ساله‌ای که لب‌شکری متولد شده بود و خانواده‌اش هزینه‌ای برای عمل او نداشتند. نقاشی از او به دست ام رسید که در آن می‌شد جلوه‌ای از رنجی را دید که به واسطه این عارضه می‌کشید. برایمان نوشته بود که دوست دارد لب و بینی شبیه بچه‌های دیگر داشته باشد. دلم عجیب گرفت. آستین همت بالا زدیم و بالاخره موفق شدیم او را در بیمارستان موسی بن جعفر (ع) جراحی کنیم. او می‌افزاید: برآورده شدن آرزوی محمد جواد و خوشحالی وصف‌ناشدنی خانواده‌اش، جرقه‌ای بود در ذهن من و دوستانم برای اجابت آرزوهای بچه‌های دیگری مثل او که جبر روزگار، حسرتی بر دلشان گذاشته است. با همین نگاه و هدف بود که «کمپین آرزوهای قشنگ» شکل گرفت.

برآورده شدن 4 هزار و 300 آرزوی قشنگ شاهوردی ادامه حرف را از فراز و فرودهای این تلاش قشنگ پی می‌گیرد و به همراه همسر من نشستیم و آرزوهای جمع‌آوری شده [منزل](#) بیان می‌کنند: در راه فهرست می‌کردیم و در دوره‌هایی که با دوستانم داشتیم، آن‌ها را می‌خواندیم و سعی می‌کردیم با کمک اطرافیانمان آن‌ها را برآورده کنیم، آرزوهایی که گاه از داشتن یک عروسک شروع می‌شد و تا داشتن یک سرپناه یا تامین هزینه‌های درمان را دربر می‌گرفت. در حاشیه شهر مشهد، آرزوهای زیادی جمع‌آوری کردیم اما اجابت و تامین همه آن‌ها کار دشواری بود. او ادامه می‌دهد: به

یاد دارم یکی از بچه ها برایم نوشته بود: «دوست دارم در خانه ای زندگی کنیم که سقفی داشته باشد. ما همیشه آسمان را در هر شرایطی می بینیم...» بعد از تحقیق و پرس و جو متوجه شدیم این خانواده در بنای مخروبه ای زندگی می کنند و آن جا چادر زده اند. خوشبختانه توانستیم به مدد خیران برایشان خانه ای مناسب رهن کنیم. در همین مدت دو سال اتفاقات زیادی رخ داد که باعث شد گروه کوچک ما بزرگ و بزرگتر شود و «کمپین آرزوهای قشنگ» منحصر به مشهد نماند و در کل ایران فعال شود.

این بانوی نیک‌اندیش بیان می کند: به عنوان مثال پدری در تلاش آرزو داشت جوان 17 ساله اش که از بیماری کلیوی مادرزادی رنج می برد، درمان شود. او قبل از این، سه فرزندش را به دلیل همین بیماری از دست داده بود. خواست خداوند بود که با مشارکت مردم مهربانان و تلاش های اعضای تیم، این جوان تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفت. ماه رمضان سال گذشته هم برای دو پسر نوجوان گلستانی که در مخروبه ای زندگی می کردند، خانه ای ساختیم. او خاطر نشان می کند: فهرست آرزوهایی که دریافت می‌کنیم بسیار متنوع است، گاهی کسی حسرت زیارت حرم امام رضا(ع) را دارد و وسع اش نمی رسد و زمانی هم کودکی از ما اسباب بازی خواسته است. خلاصه در این مدت با آرزوها و حسرت های زیادی گریستیم و همراه آن که آرزویش اجابت شده است، لبخند زدیم. آمارهای مان می گویند که از طریق این پویش، چهار هزار و 300 آرزوی قشنگ برآورده شده که از این شمار، 500 آرزو، زیارت مشهد و کربلا بوده است.

تلخ ترین آرزوی قشنگ

مسئول «کمپین آرزوهای قشنگ» با اشاره به حضور سه ماه خود و همکارانش [پل](#) در کرمانشاه، بعد از زلزله مهیب سال گذشته، بیان می کند: در روستاهای سر ذهاب آرزوهای زیادی جمع آوری شد و هنوز هم کمک ها ادامه دارد [Bridge](#) و اولین گروهی بودیم که توانستیم خانواده های زلزله زده را به زیارت امام

رضا(ع) بیاوریم

شاهوردی که انگار خاطره‌ای به ذهن اش خطور کرده است، ناگهان میانه صحبت مان تعریف می کند: برایتان گفتم که کار ما اشک و لبخند زیاد دارد، یکی از ماجراهای مان عجیب مرا دگرگون کرد. آقا سید پیرمردی 97ساله بود که در یک اتاق تاریک و نمور و در فقر مطلق زندگی می کرد. تمام اعضای به سفر خانواده اش فوت شده بودند. پیرمرد برایمان گفت که تنها آرزویش کربلاست. او را در ایام منتهی به اربعین با وجود تمام سختی ها که همه نعمت و سفر کربلا و نجف و زیارت حرم ائمه اطهار(ع) بردیم. دو هفته برکت بودند، به بعد از سفر کربلا، خبر رسید که او چشم از این جهان فرو بسته است. انگار بار یک آرزو از شانه‌هایش سبک شده بود.

درصد هزینه ها را خودمان تامین می کنیم50

این بانوی خیر برایمان توضیح می دهد:حدود 50درصد هزینه ها از طریق خودم، دوستانم و دوستان دوستانم تامین می شوند، در دنیای مجازی اعتماد کمی از طرف مخاطبان وجود دارد اما با وجود این مردم مهربانمان همیشه همراه ما بوده اند و بقیه هزینه ها نیز به مدد آن ها تامین می شود. شاهوردی تاکید می کند: امروز بانوان زیادی هستند که در این عرصه‌های جهادی فعالیت می کنند. همیشه می گویند پشت سر هر مرد موفق یک زن توانمند و همدل وجود دارد و من هم می گویم که تا به امروز هر آن چه انجام داده‌ام، به مدد همراهی و کمک بی دریغ همسرم بوده است، حتی فرزندانم نیز با وجود سن کمی که دارند، همراه من هستند. شاکرم که خداوند به ما این توان را داد که در این مسیر حرکت کنیم.

سال انتظار خادمی امام رضا(ع) را داشتم14

نوبت به خودش می رسد تا از حسرت‌ها و آرزوهایش بگوید:«در تمام سال هایی که در مشهد ساکن هستم، مهمان شدن بر سر خوان امام رضا(ع) و تناول غذای حضرت قسمت ام نشد. حتی با وجود این که شرایط خادمی داشتم اما هر بار به دلیلی قسمت نشد اسم ام در فهرست خدام ایشان قرار بگیرد. خلاصه 14سال

انتظار کشیدم تا خادم امام رضا (ع) بشوم، البته خدمتی از جنس دیگر؛ توفیق خدمت به مردم. شاید قسمت بوده است که واسطه آرزوها و اجابتشان باشیم. امیدوارم آقا امام رضا(ع) این خدمت را از ما بپذیرند. وی ادامه می دهد: آرزویم این است تا زمانی که نفس می کشم، در این راه ثابت قدم بمانم و تا جایی که در توان دارم، این راه را ادامه بدهم. دختر هفتساله ام چندباری به من گفته که جهادی بشود. افتخار می کنم که این حس خوب در **Doctor پزشک** دوست دارد. او هم ریشه دوانده و دوست دارد این راه را ادامه بدهد. شاهرودی تاکید می کند: ما از یک گروه تلگرامی در فضای مجازی شروع کردیم و هم اکنون 10 روز است که با کمک کمیته امداد امام خمینی(ره) خراسان رضوی به دنبال دریافت مجوز مرکز نیکوکاری آرزوهای قشنگ هستیم. بخش عمده کار انجام شده است و در انتظار نهایی شدن آن هستیم. معاونت فرهنگی سپاه استان هم کانونی را در حاشیه شهر مشهد به پوشش آرزوها اختصاص داده است تا حضور و تأثیرمان را بیشتر و بیشتر کنیم. وی می افزاید: هر ماه حداقل ۱۰۰ آرزوی قشنگ به دست ما می رسد البته تقاضای کمک به دست من می رسد و تنها افراد زیر خط فقر اولویت انتخاب ماست. برای اجابت این آرزوها کارگروه هایی تشکیل داده ایم که از پنج تا 20 نفر عضو اصلی دارند. خوشبختانه مشارکت خوب بوده و مردم مهربانمان همچون همیشه، یک پای کار خیر هستند.

اهمیت خیرات برای اموات: وقتی شیخ عباس قمی از دنیا رفت پسران او خواستند برای پدرشان خیرات کنند ولی فقیر

بودند لذا تصمیم گرفتند شبهای جمعه به افراد تشنه در
نجف آب بنوشانند. هر هفته این کار را می کردند تا اینکه
یک هفته این کار را نکردند شب شیخ عباس قمی در
!خواب یکی از پسرها آمد و گفت تشنه هستم

شیخ غلامرضا یزدی: در مدرسه آخوند، در نجف اشرف، که
مملو از طلبه‌های غریبه بود - که از سراسر کشورهای
اسلامی آمده بودند - گروه زیادی از طلاب، دچار مرض
کشنده و با شده بودند به حدی که توان نداشتند لباس‌های
آلوده خود را بشویند. شیخ غلامرضا، شبانگاه، تمام آن
لباس‌ها را بر می داشت و درون چادر شب می پیچید و برای
شستن، پیاده به کنار شط فرات در کوفه می برد. وی لباس‌ها
را پس از شستن و خشک کردن، دوباره به دوش می کشید
و به نجف می آورد. سپس آن‌ها را، یکی یکی تا کرده و

نیمه‌های شب بدون این که کسی بفهمد کنار در اتاق

[.هایشان می گذاشت]. تندیس پارسایی، ص ۴۷

از دیگر نمونه‌های گذشت و خلوص شیخ می توان به یکی

:از خاطره‌های او اشاره نمود

یکی از دوستانم به مرض سختی دچار و در بیمارستان

بستری شد. در آنجا گفتند: ما پرستار نداریم و هیچ کس

دیگر هم قبول نکرد پرستاری او را بر عهده بگیرد. من قبول

کردم و یک ماه، بالای سر او، برای خدا، پرستاری کردم و

از درس خواندن بازماندم. از فضل خدا، بعد از یک ماه،

دیدم تمام درس‌هایی را که حضور نداشتم و نخوانده بودم،

[بهتر از دیگران می دانم]. تندیس پارسایی، ص ۴۷،

شیخ غلامرضا، چنان به طلاب خدمت می نمود که برخی او

را «حمال الطلاب» می خواندند..... او ایام اقامت در

نجف را با سختی و تنگدستی سپری نمود و بعد از مدتی،

مقدار پولی هم که پدر برای او می فرستاد قطع شد. حاج

شیخ با قناعت بیشتر زندگی می کرد حتی کارش به جایی
رسیده بود که گاهی روزها، تنها چند لقمه نان خالی
می خورد و مجبور بود برای مطالعه در شب از نور چراغ
دستشویی استفاده کند. از او نقل شده است که روزی از
روی تنگدستی، به حضرت امیر علیه السلام شکوه کرد و از
ایشان خواست که به وی کمک کند. چندی بعد، گروهی
از طلاب کابلی به سفارش استادشان، برای تحصیل به نزد او
آمدند. بعد از آن، شیخ به حدی وضعش خوب شد که به
دیگر طلاب و استادان کمک مالی می کرد. [تندیس
پارسایی، ص ۴۸].... ا.ج شیخ علاوه بر این که ساده زیست
بود و زندگی شخصی خود را تنها از راه منبر و تبلیغ تامین
می نمود توجه بسیاری به مستمندان و نیازمندان داشت. نقل
شده است که حاج شیخ منزل خود را جهت کمک به
مستمندان، بیست و هفت بار فروخت و هر بار که دوستان و
نزدیکان از چنین اقدام حاج شیخ باخبر می شدند، با تهیه
پول، دوباره آن خانه را می خریدند و آن را به حاج شیخ بر

می گردانند. [تندیس پارسایی، ص ۸۸ و ۸۹]... قحطی دوران جنگ جهانی دوم، ایران را هم در بر گرفته بود اما با توجه به درایت و تلاش حاج شیخ، تلفات آن در یزد بسیار اندک بود. چنان که در خاطرات حاج عباس صلواتی آمده است:

حاج شیخ در زمان جنگ جهانی دوم، که آرد کم شده « بود، مقداری آرد خرید و به من گفت: عباس! صبح برو بخواب که شب با تو کار دارم. شب که آمدم دیدم حاج شیخ آردها را به کیسه‌های ۳ منی تقسیم کرده. وظیفه من و علی فرزندشان این بود که در خانه‌های مردم مستضعف برویم و به آنها آرد بدهیم. وی سفارش می کرد به محض این که صدای پای صاحب خانه را شنیدید، فوراً کیسه آرد را جلوی درب خانه بگذارید و دور شوید تا صاحب خانه شما را نبیند. خود حاج شیخ هم به کوچه‌های دورتر [می رفت. »] [تندیس پارسایی، ص ۸۸ و ۸۹]

دوبار مهربانی، در عالم برزخ برای علامه مجلسی فایده داشت

علامه مجلسی «ره» با آن مقامات بلند علمی و معنوی و خدمات فراوانی که به اسلام و مسلمانان کرده است و اکنون در محضر رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» است، وقتی به خواب مرحوم جزائری آمد، فرمود: دو چیز خیلی برای من نفع داشت. یکی اینکه روزی از کوچه‌های یهودی نشین اصفهان رد می‌شدم و سیبی در دست داشتم. دیدم یک کودک در آغوش مادرش، آن سیب را دیده و برای آن ذوق کرد. من نیز آن سیب را به او دادم. این عمل، یعنی خوشحال کردن آن کودک که ظاهراً یهودی هم بوده است، برای علامه مجلسی بسیار مفید واقع شده است. یعنی آن عمل به ظاهر کوچک و ناچیز، ارزش و فایده فوق‌العاده‌ای نزد اهل ملکوت و در برزخ داشته است.

علامه مجلسی در خصوص دوّمین عملی که در راحتی
برزخ او تأثیر داشته، می‌فرماید: روزی به مسجد می‌آمدم و
تگرگ تندی گرفت. دیدم یک بچه گربه زیر تگرگ است
و راه نجاتی ندارد، دلم برای او سوخت و بچه گربه را زیر
عبای خود گرفتم تا تگرگ تمام شد و سپس او را رها
کردم. کمک به این بچه گربه نیز برای من بسیار سودمند
بود

حضرت آیت الله خزعلی در خاطرات خود آورده است:
«شبی نزد شهید نواب صفوی سی هزار تومان پول برده
بودند، تا برای خود یک خانه ای تهیه کند؛ زیرا در آن
تاریخ با سی هزار تومان می شد یک خانه کوچک تهیه
کرد. به او گفته بودند که این مبلغ نه سهم سادات و نه سهم
امام و نه از وجوهات دیگر است؛ این هدیه ای است از ما به
شما برای خرید یک باب منزل شخصی برای خودتان تا از

اجاره نشینی رها شوید . شهید نواب پاسخ داده بود که: اگر پول را به این شرط می دهید نمی پذیرم، ولی اگر بدون شرط بدهید و مرا آزاد بگذارید خواهم پذیرفت . شخص اهداء کننده پول را بدون شرط تسلیم او نمود . ایشان همان شب پول را به بیوه زنان، یتیمان و محرومین و پاهنرنگانی که قبلا آنان را می شناخت توزیع کرد . گرگه گشائی و رفع «نیاز محرومان، از خصوصیات بارز این شهید راه حق بود

از جمله فعالیتهای فرهنگی ودینی مرحوم حجه الاسلام
: کافی

- تشویق جوانان به رفتن به مسجد جمکران و توسعه 1
مسجد جمکران

- ساختن هفتاد و دو مهدیه در سراسر کشور 2

- تعمیر و ساختن تعداد زیادی از مساجد و حسینیه ها 3

- بستن یازده باب دکان عرق فروشی و تبدیل آن به 4
کتابفروشی

- توبه دادن 350 زن بدکار و شوهر دادن آنها 5

- بستن هفت سینما و تبدیل آنها به مسجد 6

.. - اداره کردن پنج هزار فقیر در تهران و 7

مهمان خانه امام دوم... امامد چهارم صدها فقیر تحت پوشش داشتند.. حام طایی در جهنم.. حقوق شهید سلیمانی... به پیرمردی غذا می دادیم... داغ باقلوا... علی و جگر.. شهید ملکی... امام برای، شیخ مخالف پیل فرستاد.. علی علیه السلام و مقداد... ایه الله کاشانی و پولی که خادمدايه الله بروجردی فرستاد... اول انقلاب در درو گندم کمک می کردیم.. هاشم جد پیامبر به مردم ابگوشت می داد... سید باقر شفتی و دان غذا به سگ.. رجبعلی خیاط گفت حال هوشی که در نمار شب داشای مال غذایی بود که به سگ دادی.. برا لچه ای که در خال مرگ پید گفت فپری گوسفند... عمامه مقدس اردبیلی تاذخانه بر می گشت... جسمی نورانی در قیامت... پیرمرد عابد زنا کرد ولی بخاژر صدقه.. امام سجاد علیه السلام دست خود را رابعذ صدقه میزبوسید.. بیدابادی مریض را ربا صدقه درمان.. ایه اللهدتبریری چگونه نجف رفت.. امام نهم عمامه او را پس، داد.. کسی از اسب امام دوم خوشش آمد... کسی از، ساعت

سعیدی خوشش تمد.. ابراهیم هادی موتپرش را لهشید..
فاژمه زهرا لباسش را ذبخشید... طلبه کلیه‌دش.. حل دعوای
دو روستای گاوکش... نجومی پول پراید داد.. سلیمانی و
...خدمت به جانباز

یکی از راههای رسیدن به خدا، خدمت کردن به خلق خداست.

خوشحال کردن مردم از راه درست. برطرف کردن غم و اندوه مردم. ادا کردن قرضِ قرض داران. یتیم نوازی. سیر کردن گرسنه ها. سیراب کردن تشنه ها. راهنمایی کردن گم شده ها.

ساختن مسجد و مدرسه و کتابخانه. کمک به ازدواج جوانها. کمک به زلزله زده ها و جنگ زده ها و سیل زده ها... ازاد کردن زندانیان دیه و گرفتار. ساخت مسکن برای مساکین. ساخت پل برای عبور مردم. احیاء قنات. و احداث حمام و پارک و باغ برای تفریح مومنین و صدها کار خیر دیگر.

اینها باعث می شود خداوند به انسان توجه نموده و درهای برکات خود را بر روی خیرین باز می کند.

در این کتاب به دیدگاه قرآن و سنت و علمای بزرگ و
غیره درباره برکات کارهای خیر در دنیا و آخرت
پرداخته است.

انشالله ما هم جزو خیرین باشیم و نام ما در طومار افراد
نیکوکار ثبت گردد.

کرمانشاه- پاییز 96

از بین آیات قرآن که بیش از شش هزار و ششصد آیه است 189
آیه بصورت مستقیم کلمه خیر را به کار برده . در کتب لغت " خیر
" به معنای نیکی ، خوب ، کار خوب معنی شده

پیامبر اعظم ص: خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنْ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانُ بِاللَّهِ وَ
النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ إِلَّا الشُّرْكُ بِاللَّهِ وَ
الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ

امام صادق «سلام الله عليه» فرمودند: هر کس خانه خدا را
طواف کند، خداوند عزوجلّ شش هزار حسنه برای او
می نویسد و شش هزار گناه از او می آمرزد و شش هزار
درجه به وی عطا می فرماید و شش هزار حاجت از او
برآورده می سازد. سپس فرمودند: «گره گشایی از کار
یک مؤمن، ده برابر این طواف فضیلت دارد!»

برآوردن حاجت مؤمن برتر است از هزار حج مقبول با
همه آدابش.

امام صادق - علیه السلام - فرمود: کسی که در راه برطرف ساختن
نیاز برادر خود قدم بردارد، مانند کسی است که سعی میان صفا و
مروه به جای آورد

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر کس یک نیاز برادر
مومن خود را برآورد، مانند کسی است که عمر خویش را به عبادت
خدا سپری کرده باشد

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: کسی که در راه برآوردن
نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی نه هزار سال با روزه گرفتن و
شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد

اثار کمک نکردن

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: کسی که بتواند حاجت
نیازمندی را برآورد ولی دست رد بر سینه او زند، گناهش چون گناه
باجگیر است

امام صادق - علیه السلام - فرمود: کسی که برای طلب حاجت خود
یا برای سلام و احوال پرسی نزد برادر مؤمن خود رود و او خود را از
وی مخفی کند تا زنده است، پیوسته مشمول لعنت و نفرین خدا شود

امام صادق - علیه السلام - فرمود: به خدا و محمد و علی ایمان
نیاورده است کسی که در هنگام نیاز برادر مؤمنش با خوشرویی با او
برخورد نکند؛ پس اگر توان دارد احتیاج او را شخصاً برطرف نماید
و اگر قادر نیست با کمک دیگری مشکل او را حل کند؛ اگر نسبت
به تقاضای برادر مؤمنی بی تفاوت باشد و به درخواست او عمل

نکند پس بین ما و او ولایتی نخواهد بود

خواب عجیب پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دیشب عجایی را در خواب دیدم! از جمله دیدم مردی از امت مرا خواستند، عذاب کنند ولی وضو آمد و مانع عذابش شد! دیدم شیاطین، مردی از امت مرا دچار وحشت کردند ولی ذکر خداوند سبحان آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امتم را که مأمورین عذاب به سراغش آمدند ولی نماز آمد و مانع شد! دیدم مردی از امتم دچار تشنگی و عطش بود و هرگاه می خواست آب بنوشد، مانع می شدند ولی روزه رمضان آمد و او را سیراب کرد! دیدم مردی از امتم را که می خواست یه گروه پیامبران، که حلقه وار نشست بودند، پیوند، ولی نمی گذاشتند. اما غسل جنابت آمد و دست او را گرفت و در کنارم نشاند! دیدم مردی از امتم را که مقابل و پشت سر و سمت راست و چپ و پائینش، تاریک است و او در تاریکی واقع شده بود. ولی حج و عمره آمد و او را از تاریکی در آورد و وارد نور کرد! دیدم مردی از امتم، با مؤمنین صحبت می کرد. ولی آنها با او حرف نمی زدند آنگاه صله رحم آمد و گفت:

ای مؤمنین! با او سخن بگویید که او صله رحم می نمود. آنها با او سخن گفتند و با او دست دادند! دیدم مردی از امتم را که دست و صورت خود را از آتش دور می کرد. تا اینکه صدقه آمد و سایه بر سرش و پرده بر صورتش شد! دیدم مردی از امتم را که زبانه آتش از هر طرف، او را گرفته بود. ولی امر بمعروف و نهی از منکر آمدند و او را خلاص کردند با ملائکه رحمت قرار دادند! دیدم مردی از امتم را که نشسته بود و بین او و رحمت الهی، مانع قرار داشت. ولی خوش اخلاقیش آمد و دست او را گرفت و وارد رحمت الهی نمود! دیدم مردی از امتم را که نامه عملش به دست چپ بود. ولی خوف او از خداوند سبحان آمد و نامه عملش را بدست راستش داد! دیدم مردی از امتم را که بر لبه جهنم ایستاده بود. ولی امیدش به خداوند سبحان آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امتم در آتش افتاد ولی اشکهایی که از ترس خداوند سبحان ریخته بود آمد و او را از آتش در آورد! دیدم مردی از امتم بر پل صراط می لرزید. ولی حسن ظنش به خداوند سبحان آمد و لرزشش بر طرف شد و از صراط عبور کرد! دیدم مردی از امتم بر صراط است و گاهی بر سینه اش و گاهی بر دست و پایش می رود و گاهی معلق می شود. ولی صلوات او بر من آمد و او را برپایش ایستاند و از صراط عبورش داد! دیدم مردی از امتم بر در بهشت

است ولی در بهشت بسته بود . تا اینکه شهادت (لا اله الا الله) آمد و درها را باز کردند و او وارد بهشت شد !^۱ بحار الانوار ، ج 290/7

تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

یک بار در مسیر بازگشت از اصفهان به تهران در ۸ ساعت شب، اتومبیلی کنار جاده خراب شده بود. شهید نامجوی گفت: بایستیم تا به او کمک کنیم. و در جواب اعتراض من که گفتیم خسته ایم گفت: مگر نمی بینی که خانواده اش کنار جاده ایستاده اند؟

بلافاصله ایستادیم و خودمان را به آن ماشین رساندیم. در آنجا تنها متخصص فنی من بودم اما با بی میلی به طرف اتومبیل رفتم. در این موقع صدای شهید نامجوی را که کمی عقب تر از من بود، می شنیدم که این آیه را می خواند: تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

خلاصه دست به کار شدم و حدود ساعت 1:30 شب ۱۵
بود که ماشین آنها را درست کردم. مرد آن خانواده
مقداری شیرینی برای تشکر آورد. شهید نامجوی در حین
خوردن شیرینی به من گفت: بین مزد کار تو در این
دنیا محبت و شیرینی است. بدان که خدا در آن دنیا
بیش از این به تو خواهد داد

من هم از ایشان به خاطر عامل شدن در این کار خیر ۱۶
تشکر کردم... نقل از دکتر تبریزی

برگرفته از کتاب مجموعه خاطرات 9 / شهید سید ■
موسی نامجوی

انفاق یکی از جلوه های احسان و نیکوکاری

امام راحل: خداوند تبارک و تعالی آن قدر که به فقرا و مستمندان و محرومان نظر دارد معلوم نیست به قشر دیگر این قدر عنایت داشته باشد {صحیفه نور ج 17 ص 245}

همانطوری که امام راحل فرموده اند خداوند عنات خاصی به محرومان و فقرا و مساکین و ایتام دارد که این مطلب را می توان از آیات قرآن کریم و سخنان ائمه معصومین بدست آورد و خداوند رسیدگی به حال محرمان را یکی از امتحانات خود قرار داده که عده ای در این امتحان سربلند بوده وعده ای هم قبول نشده و در دنیا و آخرت به مجازات الهی دچار می شوند. و از طرفی این یک امتحان برای خود فقرا است که اگر عزت و دین خود را حفظ کردند در عوض در دادگاه الهی در قیامت، از آنها حساب آسانی بعمل می آید و به بهشت الهی وارد می شوند و اگر بخاطر فقر، از خدا دور شدند خسرالدنیا والاخره می شوند. نکته دیگر اینکه اسلام با فقر دشمن است ولی فقیر را دوست می دارد زیرا یاوران عمده پیامبران، معمولاً

همین فقرا و مستمندان بوده اند که در صدر اسلام این مطلب را بخوبی تجلی یافت و در انقلاب اسلامی ایران هم همین کوخ نشینان بودند که حامیان و یاوران اصلی انقلاب بودند و در ایام دفاع مقدس باز ما این مطلب را بالعیان مشاهده کردیم که اکثر جبهه رفته ها از خانواده های پایین جامعه بودند اگر چه معمولاً عده کمی از یاوران پیامبران را هم افراد مرفه تشکیل می دادند.

احسان و انفاق در آئینه آیات:

1- اهل جهنم یکی از علل جهنمی شدنشان را غذا ندادن به فقرا ذکر می کنند.

ولم نک مطعم المسکین 44 مدثر

2- امامان ع برای خدا به مساکین ویتامی غذا می دادند.

ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیمنا واسیرا 8 انسان

3- کسانی می توانند از ایستگاههای سخت قیامت رد شوند که در روز سخت اطعام کرده و بنده آزاد نموده اند.

وما ادریک ما العقبه - فک رقبه - او اطعام فی یوم ذی مسغبه 11 بلد

4- صدق کفاره گناهان قرار می گیرد.

ان تبدوا الصدقات فنعمما هي و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير
لكم و يكفر عنكم سيئاتكم 271 بقره

5- فرصت صدقه محدود است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ
وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» 254

6- از چیزهای خوب باید انفاق نمود نه چیزهای دست دوم و دست
خورد.

«لن تنالوا البرَّ حتَّى تنفقوا ممَّا تحبُّون.» آل عمران 92

«بدرجه نیکوکاری نمی رسید مگر زمانی که آنچه را خود
دوست دارید، انفاق کنید.»

لذا پیراهن عروسی را به آن فقیر دادم.

7- هرچه انفاق کنید فراموش و گم نمی شود و در روز سخت بداد
انسان می رسد.

وما تنفقوا من شی فی سبیل الله یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون انفال 60

8- آنانکه پولهارا جمع کرده وانفاق نمی کنند به آنها بشارت عذاب دردناک بده.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ » 34 « توبه

9- مردان خدا، شبها به عبادت می پردازند وانفاق می نمایند.

« تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ » 16 « سجده

10- هر که باید به اندازه ثروتش انفاق کند. اگر پولدار است بیشتر انفاق کند و اگر متوسط است کمتر.

لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِشْرًا لَ مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا » 7 « طلاق

11- خداوند خود صدقه را دریافت می کند.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ » 104 « توبه

12- صدقات و زکوات باعث پاکی و تزکیه آدمی است.

خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم لها 103 توبه

13- مردان خدا قسمتی از حقوق خود را به فقرا اختصاص می دهند.

الذین فی اموالهم حق معلوم-للسائل والمحروم 25 معارج

14- پولدارانی که انفاق نکردند در قیامت فریاد می زنند: ثروتم بدرد

نخورد! قدتم از بین رفت!

ما اغنی عنی مالیه-هلک عنی سلطانیه. 28 حاقه.

احسان و انفاق در آئینه روایات:

بردر ب دوم بهشت نوشته است ...

بردر ب دوم بهشت نوشته است: لا اله محمد رسول الله و علی ولی

الله. ان لكل شیء حیلۃ و حیلۃ السرور یوم القیامۃ اربع خصال

. مسح رؤوس الیتامی و التعطف علی الارملۃ و السعی فی

حوایج المؤمنین و النفقۃ للفقراء و المساکین. برای هر کاری چاره ای

است و چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت است. کشیدن دست

مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری

مؤمنان. چهارم دست گیری از بیچارگان

. بر در ب دوم جهنم نوشته است ...

. بر در ب دوم نوشته شده : هر که می خواهد در قیامت عریان محشور

نشود، در دنیا بدنهای بی لباس را لباس بپوشاند و هر که می خواهد در

آخرت تشنه نباشد، تشنگان دنیا را سیراب نماید و هر که می خواهد در

قیامت گرسنه نباشد، گرسنگان دنیا را سیر کند.

- روی سنگ داغ!

در بیانی می خوانیم: یک روز رسول خدا (ص)، سلمان فارسی و

ابوذر غفاری را که از یاران بلند مقام و ممتاز آن حضرت بودند، نزد

خویش فرا خواند و به هر یک مبلغ پولی هدیه داد.

سلمان وقتی حضور پیامبر (ص) را ترک گفت، پولی را که دریافت

داشته بود، در مسیر خود میان بی نوایان و تهی دستان تقسیم کرد، اما

ابوذر آن پول را، صرف مخارج معاش و زندگی خویش نمود.

روز بعد که آن حضرت آن دو را دعوت نموده بود، دستور داد سنگی را با آتش داغ کنند و سلمان و ابوذر بالای آن رفته، توضیح دهند با پولی که دریافت داشته‌اند، چه کرده‌اند؟

سلمان، روی سنگ داغ رفت و قبل از آن که گرفتار ناراحتی و آسیبی شود، به طور سریع گفت: انفق فی سبیل الله.

پولی را که به من دادی، در راه خدا به نیازمندان پرداخت کردم.

اما وقتی نوبت به ابوذر رسید، بالای سنگ قرار گرفت و خواست موارد مصرف دریافتی خود را بیان کند، داغی سنگ به او مهلت نداد و قبل از آن که بتواند حساب خود را پس بدهد، از سنگ پایین آمد! رسول خدا(ص) فرمود: ای ابوذر! تو را مورد عفو قرار دادم، اما این را بدان، کسی که طاقت تحمل این سنگ داغ را ندارد، هرگز نمی‌تواند حرارت آتش دوزخ را تحمل کند {تفسیر نمونه}

انفاق گناهان بزرگ را نابود می‌کند:

امام پنجم: عابدی هشتاد سال عبادت کرد ولی بر اثر تماس با نامحرم زنا کرد. موقع مرگ زبانش لال شد در همان حال فقیری نزد او آمد و عابد به او نانی داد. بعد از مردن به او گفتند بخاطر زنا همه اعمال باطل گردید ولی بخاطر صدقه خدا تو را عفو نمود. و

انفاق جلو مرگ فرزند را می گیرد:

&&&&&&&&&&&

امام ششم ع: برای مریض مستحب است که با دست خودش به فقیر صدقه بدهد و به فقیر بگوید برایش دعا کند.

امام سجاد وقتی به مستمندی کمک می کرد دست خود را می بوسید
و می فرمود صدقه قبل از اینکه به دست فقیر برسد به دست خداوند
می رسد که خدا در سوره توبه فرموده خدا خود توبه قبول می کند
و خود صدقه را می گیرد.

انفاق انسان را از سوختن و خفه شدن و دیوانگی و دهها بلای دیگر
حفظ می نماید:

پیامبر ص: ای علی! صدقه قضا صد درصد را بر می گرداند. ای
علی! صدقه قبول نیست اگر فامیل فقیر دارد.

پیامبر ص: همانا خدایی که یگانه است دفع می کند با صدقه درد
و سوختن و غرق و خرابی و دیوانگی و... تا هفتاد بلا را.

انفاق اجل را به تاخیر می اندازد:

گویند یهودی رد شد و پیامبر ص فرمود مار سیاهی او را می
کشد. اما روز تمام شد و یهودی نمرد. پیامبر فرمود از او پرسید امروز

چه عمل خوبی انجام داده است. او گفت امروز صدقه دادم. وقتی بار
هیزمش را جستجو کردند دیدند ماری در آن چمباتمه زده
است. و آن مامورش بوده ولی بخاطر صدقه ای که داد عمرش
طولانی شد.

انفاق مال انسان را حفظ می نماید:

امام صادق با عده ای به سفر رفتند. در راه به گردنه ای که راهزن
داشت رسیدند. مردم به حضرت گفتند ما اموالمان را نزد شما می
گذاریم و شما بعد از رفع خطر بما برگردانید! امام فرمود راهزنان
اموال را از من می گیرند ولی من به شما راهی نشان می دهم که
اموالتان حفظ شود. شما نیت کنید که ثلث مالتان را صدقه دهید. آنها
قبول کردند و هنگامی که راهزنان حمله کردند وقتی چشمشان به
حضرت افتاد دست از حمله برداشتند و اموال کاروان حفظ شد.

انفاق باعث می شود از گردنه های سخت قیامت به آسانی عبور
کند:

«هرگاه برای امام رضا(ع) سفره می انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می فرستادند و می فرمودند: «فلا اقتحم العقبة» یعنی کسانی از قیامت نجات می یابند که برده آزاد کنند یا به یتیم اکرام نمایند.» منتهی الامال ج 2 ص 463»

یکی از موانع احسان، بیم از فقر است. الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء والله یعدکم مغفره منه و فضلا والله واسع علیم {بقره 268} شیطان به انسانهای متمکن و پولدار القاء میکند که اگر انفاق کنی فقیر می شوی! بی پول می شوی! در حالی که خداوند سبحان وعده داده که هرچقدر بدهی چند برابر پس می گیری.

می توان از این آیه استنباط کرد که بین فقر و فحشاء ابطه است. یعنی گاه بخاطر فقر افرادی آلودگی پیدا می کنند که در این صورت علاوه بر خودشان، افراد متمکن که انفاق نکردند مقصرند.

نکته دیگر اینکه کمک به فقراء می تواند مشکلات را برطرف کند. که داستانهای در این زمینه نقل شده از جمله اینکه فردی پسرش تصادف کرد و صدمه سختی دید. یکی از بزرگان به او گفت

به فقراء و نیازمندان اطعام کن. ایشان این دستور را انجام داد
و فرزندش از خطر نجات یافت.

یا در یکی از شهرهای شمال خشکسالی شد به بزرگی برای چاره
کار مراجعه کردند گفت به فقرا اطعام کنید. آنها اطعام وسیعی انجام
دادند و باران آمد و...

گفته اند که پیغمبر (ص) برای عروسی دخترش فاطمه (س)، لباسی به
او داد. اما روز بعد وقتی او را دید، مشاهده کرد که لباس کهنه به تن
دارد. سبب را پرسید. فاطمه (س) گفت: دیشب در خانه را زدند. وقتی
در را باز کردم، زنی را دیدم که از من لباس می خواست. خواستم
لباس کهنه را به او بدهم، اما بیاد این آیه افتادم:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ.»⁽²⁾

«بدرجه نیکوکاری نمی رسید مگر زمانی که آنچه را خود دوست
دارید، انفاق کنید.»

لذا پیراهن عروسی را به آن فقیر دادم.⁽³⁾

خدمات ارزنده آیه الله حائری نسبت به مستضعفین

آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، نه فقط به طلاب حوزه علمیه رسیدگی می نمود، بلکه همواره در فکر بینوایان و مستمندان و عامه مردم بوده و از احوال آنهاجویا می شد و به افراد درمانده شهریه می داد. شبهای عید نیز برای فقراء عیدی در نظرمی گرفت. در یکی از سالهایی که قحطی سایه شوم خود را بر کشور افکنده و فقراء درسختی به سر می بردند، «دار الاطعامی» تاسیس کرد که دائما فقراء را اطعام می نمود.

دیگر از خدمات ارزنده ایشان تاسیس مریض خانه ای برای بیچارگان و فقراء بود که مرحوم «سید الاطباء کهکی» را برای معالجه بیماران به آنجا آورده بود. پس از مدتی که توسط افراد نیکوکار، مقداری پول جمع آوری شد، به پیشنهاد مرحوم حاج شیخ، بیمارستان فاطمی را ساختند و خود ایشان نخستین کلنگ را به دست مبارکشان بر زمین زدند. ساختن «قبرستان نو» در کنار رودخانه، و هم چنین تعمیر دو مدرسه علمیه «دار الشفاء» و «فیضیه» و تاسیس کتابخانه مدرسه فیضیه از فعالیتهای ارزشمند ایشان می باشد. جالب توجه اینجاست که این مرد بزرگ که در زمان حیات خویش آن همه خدمات قابل تقدیر انجام داده بود و وجوه فراوانی به دست مبارکش می رسید، در عین

[377]

حال پس از درگذشتش تمام اثاثیه اش به 1500 تومان نمی رسید و بیش از این مبالغ نیز مدیون بود که با وجود آن همه پول سهم امام که توسط ایشان پرداخت می شد، حاضر نبود دیون خود را از بیت المال بپردازد، و هنگامی که طلبکاران از این مطلب آگاه شدند، تمام دیون خود را به آن بزرگوار بخشیدند

امام رضا علیه السلام:

کسی که گِره از کار مومنی بگشاید و شادش کند، □ ۱۷
خداوند هم در روز قیامت، کار بسته او را می گشاید.

بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۲۱ □

دو تا نان دادی دو تا بچه گرفتی

روزی دو تن از فرزندان خردسال مرحوم آقا جان ☞
آیت الله کوهستانی (ره) به حمام رفته بودند، چون هوا
سرد بود مادرشان برای گرم کردن فضای سرد حمام
مقداری زغال آتش کرد.

منقل را داخل حمام برد و خود برای رسیدگی به ☞
کارهای منزل آنان را تنها گذاشت. چون زغال ها کاملاً
آتش نگرفته بود گاز زغال هر دوی آنان را بی هوش

کرد؛ به طوری که صدای آنان در اثر خفگی در سینه حبس شده بود و نمی توانستند از کسی کمک بخواهند.

در این حال که آیت الله کوهستانی(ره) به طور ۴
اتفاقی نزدیک حمام رفته بود متوجه گردید که صدای
ضعیفی از داخل حمام می آید بی درنگ در حمام را باز
کرد دید که هر دو فرزندش بی حال داخل حمام افتاده
اند

فورا هر دو را بیرون آوردند و مقداری آب به ۴
صورتشان پاشیدند تا این که به هوش آمدند و از مرگ
حتمی نجات پیدا کردند.

معظم له نجات یافتن دو فرزندش را بدون حکمت ۴
نمی یافت، از این رو در جست و جوی حکمت آن
برآمد و از مادرشان پرسید: شما امروز چه کاری انجام
دادید؟ مادر گفت:

کار ویژه ای نکرده ایم جز این که اول صبح دو تن ✨
از طلبه ها برای نان مراجعه کرده بودند که به هر کدام،
یک قرص نام دادم. آقا متوجه جریان گردید و فرمود:
✨ دو تا نان دادی و دو تا بچه گرفتی

امام فرمود چرا ما را سبک می کنید؟

:ابو هارون می گوید

در محضر امام صادق (علیه السلام) بودیم، امام به جمعی
رو کرد و فرمود: چرا ما را سبک می - شمیرید؟ و به ما
اهانت می - کنید؟

مردی از اهالی خراسان برخاست و عرض کرد: پناه می-برم به خدا که من تو را سبک بشمرم و احترام تو را حفظ نمایم.

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: آری تو یکی از آن افرادی هستی که مرا سبک انگاشتی.

آن مرد عرض کرد: پناه می-برم به خدا از اینکه شما را سبک بشمرم و به چشم حقارت به شما بنگرم.

امام فرمودند: وای بر تو! به یاد داری که فلان شخص در جحفه (میقاتگاه حاجیان در نزدیکی مدینه) به تو گفت مرا نیز سوار مرکب خود کن و به مقدار یک میل (دو کیلومتر) به سوی (مکه) ببر، به خدا سوگند از پیاده روی خسته شده ام؛

سوگند به خدا تو حتی سرت را بلند نکردی و به او اعتنا
نمودی و مقام او را کوچک شمردی؛

بنابراین «و من استخفّ بمؤمن فینا استخف و ضیع
حرمة الله» و کسی که مؤمن در راه ما را سبک بشمارد (و
تحقیر کند)، حرمت خدا را سبک شمرده و تباه ساخته
است.

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: قَالَ لِنَفَرٍ عِنْدَهُ وَ أَنَا حَاضِرٌ
مَا لَكُمْ تَسْتَخِفُّونَ بِنَا قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ خُرَّاسَانَ فَقَالَ
مَعَاذُ لَوْجِهِ اللَّهُ أَنْ نَسْتَخِفَّ بِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ فَقَالَ
بَلَى إِنَّكَ أَحَدٌ مَنْ اسْتَخَفَّ بِي فَقَالَ مَعَاذُ لَوْجِهِ اللَّهُ أَنْ
أَسْتَخِفَّ بِكَ فَقَالَ لَهُ وَيَحْكُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ فَلَانَا وَ نَحْنُ
بِقُرْبِ الْجُحْفَةِ وَ هُوَ يَقُولُ لَكَ احْمِلْنِي قَدَرِ مِيلٍ فَقَدْ وَ اللَّهُ
أَعْيَيْتُ وَ اللَّهُ مَا رَفَعْتَ بِهِ رَأْسًا وَ لَقَدْ اسْتَخَفَّتَ بِهِ وَ مَنْ
«اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ فِينَا اسْتَخَفَّ وَ ضِيعَ حُرْمَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

الكافي (ط - الإسلامية)، ج8، ص: 102، ح 73 ■

روضة الكافي ص 102'